

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری درمورد قتل فرخنده و تحولات در جامعه افغانستان

صفحه ۲



سه روز در ابراز همبستگی با فرخنده در سراسر جهان!

صفحه ۴

نامه اعتراضی صدها نفر از
فعالین مدافع حقوق زن از ایران و افغانستان و عراق
و.. در محکومیت قتل فرخنده ۲۷ ساله در کابل!

صفحه ۳

اعتراضات معلمان و دستاورد های آن

مصاحبه با شهلا دانشفر

صفحه ۵

تجمع ۵۰۰ کارگر پتروشیمی تبریز مقابل اداره کار!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۰۱

جمعه ۷ فروردین ۱۳۹۴، ۲۷ مارس ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

عمید تقوایی

پاسخ زندانیان سیاسی به پیام نوروزی
خامنه‌ای!

از "من چارلی هستم" تا "ما همه فرخنده ایم"!
مذاکرات هسته ای و مساله امنیت برای دولت‌ها
و برای مردم!

صفحه ۹

هزاران نفر در مراسم

خاکسپاری یونس عساکره در
خرمشهر شرکت کردند

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸

ارزیابی از مراسمهای ۸ مارس

مصاحبه با مینا احدی

صفحه ۱۰

صدای اعتراض علیه

بی حقوقی کودکان و زنان در
ایتالیا

مصاحبه با افسانه وحدت

صفحه ۱۲

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد قتل فرخنده و تحولات در جامعه افغانستان

بر ایران نیز تاثیر خواهد گذاشت. دنیا باید بداند که در افغانستان تنها سران قبایل و دستجات مذهبی و عقب مانده که نمایندگانشان در حکومتند، زندگی نمیکنند. یک جنبش مترقی و برابری طلبانه و نسلی از زنان و جوانان پیشرو دارند سیمای این جامعه را تغییر میدهند.

حزب کمونیست کارگری این تحولات را ارج مینهد و با تمام قوا در معرفی و تقویت آن در ایران و در سطح بین المللی خواهد کوشید. حزب از مردم ایران میخواهد که به این تحولات یاری رسانند. قتل فرخنده و دستجات تبهکار اسلامی را محکوم کنند و با برپایی مراسم یادبود فرخنده و با ارسال پیام و به اشکال مختلف دیگر، همبستگی خود را با حرکت زنان و جوانان افغانستان تحکیم نمایند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ فروردین ۱۳۹۴، ۲۴ مارس ۲۰۱۵

جامعه افغانستان تحول عمیقی را از سر میگذراند. جنبش مدرن و ضد اسلامی قدرتمندی که در دهه های گذشته جامعه ایران را شخم زده و سیمای متفاوتی به جامعه ایران داده است، امروز در افغانستان شعله میکشد. حرکتی در زیر پوست افغانستان شروع شده و به سرعت در تار و پود این جامعه ریشه مییابد. جوانان از اسلام برگشته، زنان به حرکت درآمده و روحیه تعرضی آنها علیه سنت ها و قوانین اسلامی و ارتجاعی، مرتجعین و دولت افغانستان را به واکنش واداشته است. قتل فجیع فرخنده عکس العمل بزدلانه و وحشت زده آنها برای ارباب مردم و عقب راندن این جنبش نوپا بود اما چنان پاسخی از مردم و بویژه زنان و جوانان افغانستان گرفت که لرزه بر اندام مرتجعین انداخت.

تحولات فرهنگی و ایدئولوژیک در افغانستان که با پشتوانه محکمی در میان مردم ایران روبروست، قصد ایستادن ندارد و با هیچ نیرویی قابل مهار کردن نیست. این تحولات به سهم خود

قتل فرخنده توسط دستجات جنایتکار اسلامی در افغانستان، خشم و نفرت عمیقی در افغانستان و خارج از افغانستان برانگیخته است. زنان در حرکتی بیسابقه تابوت فرخنده را که به جرم سوزاندن قرآن و وحشیانه به قتل رسید حمل کردند، امام جمعه کابل را از مراسم بیرون کردند و بدنبال آن هزاران نفر در کابل دست به تظاهرات زدند و با شعار ما همه فرخنده هستیم خواهان محاکمه قاتلین او شدند. مردم فتوادهندگان و سازماندهندگان این جنایت را که تحت حاکمیت باندهای مرتجع قومی و اسلامی در این کشور امکان عرض اندام دارند، میشناسند و خواهان دستگیری و محاکمه آنها شده اند. اعتراض در حال گسترش به شهرهای دیگر افغانستان است و علیرغم اینکه برخی مقامات دولت افغانستان این جنایت را توجیه کرده و با آن همراهی کرده بودند، با شدت گرفتن اعتراض مردم، یکی از مقامات دولت افغانستان اعلام کرد که قاتلین بازداشت خواهند شد.



نامه اعتراضی صدها نفر از فعالین مدافع حقوق زن از ایران و افغانستان و عراق و.. در محکومیت قتل فرخنده ۲۷ ساله در کابل!

ما امضا کنندگان این نامه جنایت وحشیانه علیه فرخنده ۲۷ ساله در افغانستان را به شدت محکوم می‌کنیم.

فرخنده را در مقابل مسجد شاه دوشمشیر در کابل با سبعیت و وحشیگری به اتهام سوزندان قران، کشتند و سپس جنازه او را آتش زدند. این یک جنایت بی‌شمانه و وحشیانه است و از سوی همگان محکوم است. ما خود را در سنگر مبارزه علیه زن‌ستیزی و نقض حقوق زنان در افغانستان دیده و از مبارزات مردم آزاده افغانستان در دفاع از برابری زن و مرد و حرمت انسانی زنان دفاع می‌کنیم.

اسامی امضا کنندگان :

- ۱- آناهیتا ناصر
- ۲- آوات فرخی
- ۳- آکام حیدری
- ۴- اسرین رادمنش
- ۵- افسانه وحدت فعال مدافع حقوق زن، سوئد
- ۶- امین کمانگر
- ۷- باقر ابراهیم زاده سازمان راه کارگر
- ۸- بهروز مهر آبادی
- ۹- بهنام آزاد
- ۱۰- بهنام محمدی
- ۱۱- بهنام محمدی ایرانی - سنج
- ۱۲- پیام آذر
- ۱۳- تهمنه گشتاسبی
- ۱۴- جبران شیرعلی
- ۱۵- جلیل جلیلی
- ۱۶- ر. پیکارجو
- ۱۷- رحیم یزدان پرست
- ۱۸- رزگار رضایی
- ۱۹- رضا مرادی
- ۲۰- رویا منصور
- ۲۱- ریحانه گلی
- ۲۲- سارا نخعی
- ۲۳- سحر بهار
- ۲۴- سعید نیرومند
- ۲۵- سلیمان سیگارچی ۲۶- سهیلا خسروی

- ۲۷- سونیا راد
- ۲۸- شمی صلواتی
- ۲۹- شهناز مرتب
- ۳۰- شیوا گنجی
- ۳۱- صابر رحیمی
- ۳۲- عباس محبوبی
- ۳۳- علی رسولی
- ۳۴- علی محمودی
- ۳۵- فرامرز قربانی
- ۳۶- ماح نظری روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر، ترکیه
- ۳۷- مرتضی اکبری
- ۳۸- مینا مینایی
- ۳۹- نادر چگنی
- ۴۰- ناصر اصغری
- ۴۱- ناصر برزویی
- ۴۲- وحید عمر عضو نهاد ۱۴۰۰ افغانستان
- ۴۳- ودا ایلکا
- ۴۴- کتی موسوی
- ۴۵- یوسف صمدی
- ۴۶- مهین درویش روحانی
- ۴۷- آرام نادری
- ۴۸- آرزو مشعلیان
- ۴۹- آرش خسروانی
- ۵۰- آرش راجی
- ۵۱- آرمین کریمی
- ۵۲- آرمین دشتی
- ۵۳- آرون عسکری
- ۵۴- آربین عادل
- ۵۵- آزاد عزیزیان
- ۵۶- آزاده بادله
- ۵۷- آزاده شیرازی
- ۵۸- آصف آشنا معاون سخنگوی ریاست اجراییه افغانستان
- ۵۹- آوات صادقی
- ۶۰- آیلین نظری
- ۶۱- احسان ریاحی
- ۶۲- احمد رحمانی
- ۶۳- احمد فاطمی
- ۶۴- اصغر کریمی حزب کمونیست کارگری ایران
- ۶۵- اقبال نظرگاهی
- ۶۶- امیر زاهدی
- ۶۷- امیر عربی
- ۶۸- امیررضا مشعلیان
- ۶۹- ایرج رضایی
- ۷۰- بابک عیدی پور
- ۷۱- بدریه زمانی
- ۷۲- بلقیس روشن سناتور افغانستان
- ۷۳- بهار گلشه
- ۷۴- بهار میلانی
- ۷۵- بهرام سروش
- ۷۶- بهرنگ زندی
- ۷۷- بهمن توتونچی
- ۷۸- بهمن خانی
- ۷۹- بیژن فتوحی
- ۸۰- پرتو نادری شاعر و نویسنده افغانستان
- ۸۱- پرهام آرمان
- ۸۲- پروین معاذی
- ۸۴- پویا قره چه
- ۸۵- پویا نحوی
- ۸۶- توفیق فرجی
- ۸۷- جعفر فدوی
- ۸۸- جمیله خدایی
- ۸۹- جمیله میرکی
- ۹۰- حبیب بکتاش
- ۹۱- حسام یوسفی
- ۹۲- حسن اسفندیار
- ۹۳- حسن صالحی
- ۹۴- حسین افساهی
- ۹۵- حشمت رادفر فعال مدنی افغانستان
- ۹۶- حمید تقوایی حزب کمونیست کارگری ایران
- ۹۷- حمید رضا خسروانی
- ۹۸- حنا خردمند
- ۹۹- خالد زارعی
- ۱۰۰- رامیار رضایی ۱۰۱- رحیم یزدانپرست
- ۱۰۲- رضا آزموده
- ۱۰۳- زهرا سپهر فعال مدنی از افغانستان
- ۱۰۴- زهرا موسوی فعال مدنی افغانستان
- ۱۰۵- زهرا نادری عضو مجلس نماینده گان افغانستان ۱۰۶- زینت سادات قائم مقامی
- ۱۰۷- سرور لیدوار
- ۱۰۸- سعید ویسی
- ۱۰۹- سعید مدانلو

- ۱۱۰- سمیر نوری
- ۱۱۱- سمیرا هوشیاربان ۱۱۲- سهند حسینی
- ۱۱۳- سهند مطلق
- ۱۱۴- سهیلا شهباز نژاد
- ۱۱۵- سهیلا ابولحسنی
- ۱۱۶- سوسن صابری ۱۱۷- سوما رادمنش
- ۱۱۸- سیامک بهاری ۱۱۹- سیاوش عبقری
- ۱۲۰- سیاوش مدرسی ۱۲۱- سیما بهاری
- ۱۲۲- سیما دینی فعال حقوق مدنی تورنتو کانادا ۱۲۳- سیما مبینی فعال حقوق مدنی لس آنجلس کالیفرنیا آمریکا
- ۱۲۴- سیامک سهراب منش
- ۱۲۵- سیروان قادری ۱۲۶- سیلی غفارسخن‌گوی حزب همبستگی افغانستان ۱۲۷- شیرزاد چوپانی
- ۱۲۸- شادی پایه فعال حقوق بشر
- ۱۲۹- شایان شیخی
- ۱۳۰- شبمن اسداللهی فعال حقوق بشر
- ۱۳۱- شهرام امانتی ۱۳۲- شهلا خباززاده فعال مدافع حقوق زن
- ۱۳۳- شهلا دانشور فعال مدافع حقوق زن
- ۱۳۴- شهلا عبقری
- ۱۳۵- شهلا عبقری
- ۱۳۶- شینکی کروخیل عضو مجلس نمایندگان
- ۱۳۷- شیوا گنجی روزنامه‌نگار و فعال حقوق زن، ترکیه
- ۱۳۸- صابر رحیمی
- ۱۳۹- صبری امیر حسینی
- ۱۴۰- صحرا موسوی فعال مدنی افغانستان
- ۱۴۱- صلاح ایراندوست ۱۴۲- طاهر جعفرزاده مسئول ندا دی، ایتالیا
- ۱۴۳- طریقه پیرزاد نویسنده افغانستان
- ۱۴۴- طه آزادی
- ۱۴۵- طه حسینی
- ۱۴۶- عباس نورزادابکنار
- ۱۴۷- عبدالنّه اسدی دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
- ۱۴۸- عبدال گلپریان ۱۴۹- عدنان گوپلی
- ۱۵۰- علی دماوندی تلویزیون برابری
- ۱۵۱- علی محسنی ۱۵۲- علی حامی
- ۱۵۳- علیرضا رشیدی ۱۵۴- عمر شریفی فعال مدنی افغانستان
- ۱۵۵- عمر معروفی ۱۵۶- فاطمه گیلانی فعال مدنی افغانستان
- ۱۵۷- فاطمی محمدی ۱۵۸- فرخنده نادری فعال مدنی، افغانستان
- ۱۵۹- فرشته اسدی ۱۶۰- فرشته مرادی
- ۱۶۱- فریبا آذر
- ۱۶۲- فریبا محمدیان ۱۶۳- فریده آرمان فعال مدافع حقوق زن
- ۱۶۴- فریده پورکریم ۱۶۵- فواد محمدی
- ۱۶۶- فواد محمودی ۱۶۷- فوزیه کوفی عضو مجلس نمایندگان افغانستان
- ۱۶۸- لاله محمدی
- ۱۶۹- لارژه جواد فعال مدافع حقوق زن، عراق
- ۱۷۰- مجید آذری
- ۱۷۱- مجیب مهرداد استاد دانشگاه افغانستان
- ۱۷۲- محبوبه سیاهمردی
- ۱۷۳- محسن ابراهیمی
- ۱۷۴- محمد آسنگران ۱۷۵- محمد شکوهی
- ۱۷۶- محمد موسی تلاش فعال مدنی، افغانستان
- ۱۷۷- محمد نعمتی
- ۱۷۸- محمود قانیدی ۱۷۹- مرسته قانیدی
- ۱۸۰- مریم طاهری
- ۱۸۱- مریم غمگسار فعال

نامه اعتراضی صدها نفر از فعالین مدافع حقوق زن از ایران و افغانستان و عراق و... در محکومیت قتل فرخنده ۲۷ ساله در کابل!

۲۲۲- وریا میرزایی
 ۲۲۳- کاوه جیران شاعر و نویسنده افغانستان
 ۲۲۴- کاوه عومدر
 ۲۲۵- کمال میرزاده
 ۲۲۶- کوستان امینی ۲۲۷-
 کیوان جاوید، تلویزیون کانال جدید
 ۲۲۸- یدی محمودی
 ۲۲۹- یعقوب یسنا فعال مدنی افغانستان
 امضاها ادامه دارد...
 برای امضا این نامه و همکاری در جهت سازمان دادن آگسیونها و برنامه های همبستگی با زنان در افغانستان با این آدرس ها تماس بگیرید:
 zan.e.azad1@gmail.com
 ۲۵-۰۳-۲۰۱۵

نسان نودینیان
 ۲۱۲- نسرين بهجو سرپرست
 کانون فرهنگی پیوند ۲۱۳-
 نسرين رمضانعلی
 ۲۱۴- نوشین قادری
 ۲۱۵- نیلوفر ابراهیمی مجلس نماینده گان افغانستان ۲۱۶-
 هادی رحیمی
 ۲۱۷- هرمزرها
 ۲۱۸- هستی طاهری ۲۱۹-
 هه تاو عبدالهی
 ۲۲۰- هیوا احمد، بریتانیا
 ۲۲۱- هیوا مولانیا

۲۰۳- میر عالم شریفی فعال مدنی افغانستان
 ۲۰۴- نازنین افشن جم مک کی رئیس سازمان اعدام کودکان را متوقف کنید
 ۲۰۵- نازنین برومند فعال مدافع حقوق زن
 ۲۰۶- نازنین صدیقی ۲۰۷-
 نازنین ایمانی
 ۲۰۸- نازی پیغمبریان ۲۰۹-
 ناصر برزویی
 ۲۱۰- ناهید فرید عضو مجلس نمایندگان افغانستان ۲۱۱-

۱۹۳- مهرنوش معظمی ۱۹۴-
 مهسا فعال زاده
 ۱۹۵- مهناز باقری
 ۱۹۶- مهوش غلاسوندی
 مسئول نهاد مادران علیه اعدام
 ۱۹۷- مهوش گلپریان
 ۱۹۸- مهیار افشاری ۱۹۹-
 مهین علیپور فعال مدافع حقوق زن
 ۲۰۰- موسی عباسی ۲۰۱-
 مونا ده محسنی
 ۲۰۲- مینا احدی سخنگوی نهاد زن آزاد

مدنی افغانستان
 ۱۸۲- مریم نمازی فعال مدافع حقوق زن، انگلیس
 ۱۸۳- مریم هدایتی
 ۱۸۴- مریم تقی نژاد ۱۸۵-
 مریم ضیاء
 ۱۸۶- مسعود آذرنوش ۱۸۷-
 مصطفی صابر
 ۱۸۸- ممد امیری
 ۱۸۹- منصور ترکاشوند
 ۱۹۰- منیژه سیاهمردی
 ۱۹۱- مهتاب افشاری ۱۹۲-
 مهدی عربی

سه روز در ابراز همبستگی با فرخنده در سراسر جهان!

سنتهای ارتجاعی اسلامی اعلان جنگ کرده است و این يك واقعه مهم و يك نقطه عطف در مبارزات زنان در افغانستان است.

ما زنان و ما مردم ایران که بیش از سه دهه مبارزه با حکومت اسلامی و زن ستیزی اسلامی را تجربه کرده ایم، خود را هم سرنوشت زنان و مردم افغانستان دانسته و در صف این اعتراضات مهم هستیم.

برای ابراز همبستگی با جنبش اعتراضی زنان و مردم افغانستان علیه قتل وحشیانه فرخنده در روزهای جمعه ۲۷، شنبه ۲۸ و یکشنبه ۲۹ ماه مارس با برگزاری شبهای همبستگی با فرخنده، میتینگ و تظاهرات در مقابل سفارت افغانستان در کشورهای اروپایی و با برپایی میتینگهای همبستگی در مراکز شهرهای اروپایی اعلام خواهیم کرد که در کنار زنان و مردم آزاد افغانستان هستیم. ما از مبارزات شجاعانه زنان در افغانستان بر علیه سرکوب و خشونت و زن آزاری اسلامی دفاع کرده و یاد و نام فرخنده را جهانی و جاودانه خواهیم ساخت.



خوشحال کرد. يك جنبش برابری طلبانه، مدرن و انسانی در افغانستان سر بلند کرده و علیه حکومت اسلامی و قوانین و

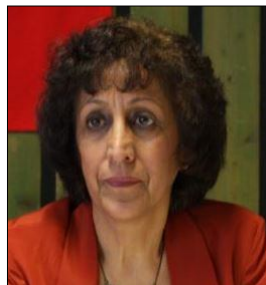
فریاد اعتراض بلند کرده و خواهان اجرای عدالت و دادخواهی فرخنده شدند. این اخبار همه مردمی که این وقایع را دنبال میکنند، بسیار

و ماتم فرو برد. زنان و مردم آزاد در کابل و افغانستان به خیابان آمده و علیه ملاحضات مرتجع و حکومت اسلامی مدافع قتل و زن ستیزی

فرخنده را چند نفر افراطی آدمکش به تحریک آخوند مسجد و مرتجعین محلی، به قتل رساندند، و این خیر کابل و افغانستان و دنیا را در خشم

اعتراضات معلمان و دستاورد های آن

مصاحبه با شهلا دانشفر



انترناسیونال: در آخرین روزهای سال ۹۳ شاهد اعتراضات و تجمع هزاران معلم در شهرهای مختلف ایران بودیم. موضوع اصلی این اعتراضات چه بود و چگونه پیش رفت؟

شهلا دانشفر: سالهاست که معلمان به سطح نازل حقوقهایشان اعتراض دارند و در همین رابطه در سال ۸۵ مبارزات سراسری و گسترده ای داشتند که به نوبه خود نقش مهمی در تغییر توازن قوای سیاسی جامعه داشت و الگوی خوبی از مبارزات سراسری در برابر کل جامعه گذاشت. اما یک تفاوت مهم و اعتراضات دور اخیر معلمان، بیان شفاف تر خواستهها و مطالبات و تاکید مستقیم بر خواست افزایش سطح حقوقها بود. این متعین بودن خواستهها و تاکید آن بر افزایش دستمزدها، بیش از پیش پیوند طبقاتی مبارزات معلمان را با مبارزات کارگران، پرستاران، بازنشستگان و شاید بهتر بگویم با اعتراضات بخش های وسیع حقوق بگیر جامعه علیه فقر و گرانی و دستمزدهای چند بار زیر خط فقر به نمایش گذاشت. سوت آغاز مبارزه بر سر خواست افزایش دستمزدها امسال از سوی هزاران کارگر ایران خودرو به صدا در آمد و بدنبال آن اعتراضات گسترده ای از سوی کارگران و از جمله اتحاد ۶ تشکیل کارگری بر سر این خواست، تجمع کارگران در مقابل مجلس به ابتکار هماهنگ کنندگان طومار چهل هزار امضا و تجمعات اعتراضی پرستاران، معلمان و بازنشستگان صورت گرفت و در بستر چنین اعتراضات گسترده ای، ماه اسفند به یکی از پر جنب و جوش ترین ماههای اعتراضی در سال

۹۳ تبدیل شد. نکته جالب اینکه در تمامی این مبارزات این بود که مشترک بودن خواستهها خود را حتی در پلاکاردها و در شعارها بیان میکرد. از جمله در بخش عظیمی از این مبارزات و بیانیه های اعتراضی و قطعنامه های منتشر شده اش، شعار خط فقر سه میلیون دستمزد ما ۷۲۰ هزار و غیره بصورت برجسته و آشکاری اعتراض کل جامعه را بیان میکرد. و گفتمان مشترک همه نیز این بود که دیگر به زندگی زیر خط فقر تن نمیدهیم و به عنوان اولین تغییر باید فاصله خطر فقر با سطح دستمزدها پر شود. در متن چنین اوضاع بود که اعتراضات سراسری و قدرتمند معلمان و اعتصابات و تجمعات هزاران نفره آنان، مکان دیگری پیدا کرد و یک اتفاق سیاسی مهم در اوضاع جامعه بود که بطور واقعی توازن قوای سیاسی را به نفع مبارزات مردم تغییر داد و همه توجه ها را بسوی خود کشید. به این اعتبار مجموعه این اعتراضات سرآغازی بود برای جنبشی گسترده و سراسری بر سر اقتصاد و معیشت مردم که خود را با خواست افزایش دستمزدها دارد بیان میکند و ابعادش میلیونی است و ادامه دارد.

اما تا آنجا که به مبارزات معلمان بر میگردد در واقع میشود گفت که در سه ماه آخر سال ۹۳ ما شاهد دور جدیدی از اعتراضات گسترده معلمان بودیم که بطور واقعی سرفصل جدیدی در مبارزات آنان و کل جامعه گشود.

اعتراضات معلمان با طوماری بر سر خواست افزایش دستمزدها و با ۶۰۰۰ امضا در دی ماه ۹۳ کلیک خورد و همزمان کارزاری برای آزادی سه

معلم زندانی رسول بداعی، محمود باقری و عبدالرضا قنبری اعلام شد. سپس طی روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۳۰ دی و اول بهمن ماه معلمان در مناطق مختلفی از تهران و شهرستان های استان تهران از جمله در رباط کریم، شهریار، شهر قدس، ملارد، ورامین و پاکدشت، رودهن و بومهن و نیز در استان های اصفهان، گیلان، شیراز، همدان، لرستان، خراسان، سیستان و بلوچستان و خوزستان، کردستان، آذربایجان، یزد و کرمان و سمنان دست به اعتصاب زدند و در این مناطق مدارس بسیاری به تعطیلی کشیده شدند. در همین مقطع در شهری چون شاهرود روز ۳۰ دی معلمان دست از کار کشیده و مقابل آموزش و پرورش شهر تجمع کردند.

در ادامه این اعتراضات در سوم اسفند همزمان با اعتراضات گسترده پرستاران، هزاران معلم از صدها مدرسه در استان های مختلف کشور دست به اعتصاب زدند و خواهان رسیدگی فوری به مطالبات خود شدند. در این روز در بسیاری از شهرها از جمله در برخی مناطق تهران و در شیراز، بوشهر، شاهرود، پاکدشت، قزوین، کرمانشاه، مشهد، رشت، کلارچای، بهارستان، اسلامشهر، زرین شهر، شهرضا، رباط کریم، کرج، شهر قدس، شهریار، ملارد، فولادشهر، دیواندره و در برخی شهرهای خرم آباد و خراسان معلمان در اعتصاب شرکت داشتند. در این روز در برخی شهرها معلمان در مقابل اداره آموزش و پرورش دست به تحصن زدند.

بدنبال این اعتصابات خطاری از سوی کانون صنفی معلمان فراخوان به اعتصاب

سراسری دهم اسفند و تجمع در مقابل مجلس اسلامی، داده و برای آن تقاضای مجوز شد. اما معلمان اعلام کردند حتی اگر مجوزی داده نشود برگزاری تجمع اعتراضی را حق خود میدانند. و بدین ترتیب روز ده اسفند هزاران معلم در تهران و شهرهای مختلف به خیابانها آمدند و خواستهایشان را فریاد زدند.

روز ده اسفند هزاران معلم در مقابل مجلس تجمع کردند و بنا به گزارشی گفته میشود این اعتراضات در ۵۶ شهر برپا گردید که تنها عکس ها و گزارشات نیمی از آنها رسانه ای شد. ده اسفند نقطه اوج مبارزات معلمان بود و توانست تمام توجه ها را بسوی خود بکشد. این تجمع به اسم تجمع سکوت فراخوان داده شده بود، اما معلمان با پلاکاردهایشان و با شعارهایشان، فریاد اعتراضاتشان را بلند کردند.

مبارزات معلمان در ده اسفند و ابعاد گسترده و سراسری آن بطور واقعی به نقطه امیدی در دل مردم تبدیل گردید. بعد از آن نیز معلمان که بار دیگر قدرت اعتراض سراسری خود را دیدند و باور داشتند، اعلام کردند که تا به خواستهایشان پاسخ داده نشود، این اعتراضات ادامه خواهد داشت و همانطور که اشاره کردید این اعتراضات آخرین روزهای سال ۹۳ ادامه یافت. از جمله صبح روز ۲۱ اسفند معلمان سه شهر اردبیل و بجنورد و اصفهان در مقابل اداره آموزش و پرورش دست به تجمع زدند. سپس در ۲۳ اسفند تعداد کثیری از معلمان شهرستان های بافق، کرمانشاه، استانهای چهارمحال و بختیاری و یزد دست به تجمعات اعتراضی برپا کردند. و در ۲۴ اسفند نیز شاهد تجمعات اعتراضی هزاران

معلم در شهرهای شیراز، یزد، خرم آباد، کرمانشاه، شهر کرد و ابرکوه بودیم. در ادامه این تجمعات اعتراضی نیز در روزهای ۲۵ و ۲۶ اسفند معلمان در لرستان در مقابل استانداری تجمع کردند.

موضوع اصلی اعتراض معلمان همانطور که اشاره کردم علیه دستمزدهای چند بار زیر خط فقر است که در تجمعات اعتراضی هزاران نفره سراسری خود با شعار خط فقر سه میلیون، حقوق ما یک میلیون اعلام کردند. معلمان همچنین با پلاکاردهای دیگری با شعارهای «هم از فقر بیزاریم هم از فرق»، «از فقر می نالیم، از فرق بیزاریم، تبعیض بر نمی تائیم، از تبعیض بیزاریم» و معلم بیدار است از تبعیض بیزار است»، اعتراض خود را به تبعیضات مختلف در جامعه بیان داشتند.

معلمان در تجمعاتشان از این سخن گفتند که ۳۵ سال است که حقوقهایشان از هزینه های زندگی عقب است و دیگر این را نمی پذیرند. در این اعتراضات معلمان در سخنرانی ها و بیانیه هایشان علاوه بر خواست مهم افزایش فوری دستمزدها، بر خواستههایی چون آزادی معلمان زندانی و زندانیان سیاسی، پایان دادن به برخوردهای توهین آمیز و تهدید و دستگیری معلمان معترض، پایان دادن به تبعیض و نابرابری و... تاکید گذاشتند. معلمان همچنین به سکوت و سانسور اخبار اعتراضاتشان توسط صدا و سیما جمهوری اسلامی اعتراض داشتند.

در بسیاری از این حرکات اعتراضی معلمان خواستار حضور و پاسخگویی مقامات دولتی در تجمعاتشان شدند و آنان را وادار به جوابگویی کردند. با رسیدن سال نو معلمان بر ادامه مبارزات خود و پیگیری خواستهایشان تاکید گذاشتند.

انترناسیونال: این اعتراضات چه نقطه قوت ها و چه کمبودهایی داشت؟

اعتراضات معلمان و دستاورد های آن

شهبلا دانشفر: يك نقطه قوت مبارزات معلمان همواره ابعاد سراسری و گسترده آن است. معلمان در دوره های مختلف مبارزاتی شان الگوهای خوبی از شکل گیری اعتصابات سراسری و ممکن بودن آنها در مقابل جامعه قرار داده اند. از سوی دیگر گستردگی این مبارزات يك قدرت نمایی بزرگ از سوی معلمان بود که تاثیر مستقیم بر قدرتگیری مبارزات بخش های مختلف جامعه دارد.

نقطه قدرت دیگر مبارزات معلمان کمک گرفتن از مدیای اجتماعی به عنوان ابزار مهمی برای سازماندهی اعتراضات در سطحی گسترده و سراسری و برای بسیج نیروی خود بود. خیلی مواقع شنیدیم که گفته شد معلمان بصورت خودجوش جمع شده و دست به اعتراض زده اند. اما بطور واقعی خودجوش نبود و به يك معنا سازمانیافتگی آن در بستر خطوط مدیای اجتماعی وایبر و لاین و صفحات فیس بوك يك نقطه قدرت این مبارزات بود. از جمله سازمانیافتگی این مبارزات را پلاکاردهای استاندارد سراسری و شعار واحد "خط فقر سه میلیون، حقوق ما يك میلیون" میشد به روشنی دید.

به عبارت روشنتر سالهاست که معلمان به وضعیت خود معترضند و منتظر يك جرعه بودند تا اعتراضشان را بیان کنند. و وقتی این جرعه زده شد و فراخوان برای تجمع و اعتراض داده شد، گفتمان آن بسرعت در بستر مدیای اجتماعی جاری شد و وسیعترین نیرو را گرد آورد. در این میان رسانه ای چون کانال جدید بعنوان ابزار دسترسی حزب ما به جامعه، نقش مهمی در اطلاع رسانی و تعیین دادن به خواسته های معلمان داشت. بطوریکه در بسیاری از تجمعات اعتراضی معلمان شنیده شد که

گفتند از طریق کانال جدید مطلع شده و در تجمع شرکت کرده اند و نیز بسیاری از این معلمان روی خطوط مستقیم تماس کانال جدید آمدند و ضمن بیان وضعیت خود فراخوان به اعتراض و مبارزه دادند. بعد نیز اخبار اعتراضی آنان با عکس و گزارش و فیلم سریع رسانه ای شد و در کانال جدید انعکاس پیدا کرد. به این ترتیب خبررسانی وسیع نقش مهمی در بسیج نیرو و گسترش سراسری معلمان داشت و يك نقطه قوت این مبارزات بود.

نکنه قابل توجه دیگر در مبارزات معلمان، شرکت پرستاران، کارگران، و دانشجویان در تجمعات اعتراضی آنان، خصوصا در تجمع اعتراضی روز ده اسفند بود. پرستاران با شعار، کارگر، معلم، پرستار اتحاد، شرکت کرده بودند. همچنین نقش دانشجویان در اطلاع رسانی خبر این تجمعات بسیار مهم بود. و همانطور که اشاره کردم خواست مشترکی اعتراضات معلمان با بخش های دیگر جامعه را به هم گره میزند. همچنین خواست های معلمان و داشتن آموزش و پرورش مدرن و انسانی خواست های کل جامعه است. بعلاوه اینکه اعتراضات قدرتمند معلمان در این دوره نقطه امیدي در دل مردم شده و توجه ها را به خود جلب کرده است. از این روز این مبارزات زمینه و پتانسیل جلب بیشترین همبستگی از سوی مردم و خانواده های دانش آموزان و کل جامعه را دارد. از جمله جلب خانواده های دانش آموزان در حمایت از مبارزات معلمان يك فاکتور مهم در تقویت اعتراضات آنان است. و معلمان در ارتباط با خانواده های دانش آموزان، میتوانند نیروی وسیعی در سطح محلات و تمام مناطق آموزشی تهران و شهرستانها در حمایت از خواسته های خود گرد آورند. به نظر هنوز معلمان تمام

ظرفیت موجود را برای جلب چنین سطحی از همبستگی اجتماعی مردم و بسیج نیروی کل جامعه بکار نگرفته اند.

ارتباطات شکل گرفته در جریان اعتراضات و بویژه در بستر مدیای اجتماعی، زمینه ادامه مبارزات معلمان تا روزهای آخر سال را فراهم کرد و با اتکا به این موقعیت است که اکنون گفتمان بر سر ادامه این مبارزات و اعتراض در روزهای اول مه و دوازده اردیبهشت، روز معلم است.

نقطه قوت های مبارزات معلمان، درسه های آموزنده ای برای مبارزات کارگران و کل جامعه دارد و تجربیات این مبارزات را باید نوشت و در سطح جامعه تکثیر کرد.

انترناسیونال: آیا این اعتراضات با پایان سال خاتمه یافت و یا اینکه باید شاهد اعتراضات جدیدی در سال جاری باشیم؟

شهبلا دانشفر: همانطور که اشاره کردم اعتراضات معلمان پایان نیافته است و ما در سرآغاز يك برآمد جدید از مبارزاتی اجتماعی بر سر زندگی و معیشت و خواست مشخص افزایش دستمزدها در سطحی سراسری هستیم. کارگران، پرستاران، معلمان، بازنشستگان با اولتیماتوم هایشان برای پیگیری این خواست، سال ۹۳ را به پایان رساندند و به این اعتبار میتوان پیش بینی کرد که سال ۹۴ سال اعتراضات گسترده کارگری، و به تبع آن سال اعتراضات گسترده و سراسری معلمان باشد.

از جمله تجمعات اعتراضی معلمان تا همین روزهای آخر سال ۹۳ ادامه یافت و در تمام این تجمعات تاکید بر ادامه این مبارزات شده است و خصوصا به عنوان اولتیماتومی برای پیگیری خواسته های معلمان بر روزهای مهمی چون اول مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر و ۱۲ اردیبهشت روز معلم به عنوان روزهای مهم اعتراض تاکید گذاشته اند. میشود انتظار داشت که امسال شاهد يك اول ماه مه با شکوه و متفاوت از هر

سال باشیم. و یا روز ۱۲ اردیبهشت بعنوان روز معلم اعتراضات گسترده ای از سوی معلمان برگزار شود. از هم اکنون باید خود را برای چنین روزهایی آماده کنیم. صفوف خود را شکل دهیم و بیشترین اطلاع رسانی ها را انجام دهیم.

انترناسیونال: خواست های اصلی معلمان چیست؟

شهبلا دانشفر: همانطور که در سوالات قبلی پاسخ دادم خواست محوری معلمان، افزایش فوری دستمزدهاست. خواست فوری معلمان همانند کارگران، پرستاران، بازنشستگان و بهتر است بگویم بخش عظیمی از حقوق بگیران جامعه اینست که به عنوان اولین گام، فاصله خط فقر با سطح دستمزدها پر شود و معلمان اعتراض خود را به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر با شعار خط فقر سه میلیون، حقوق ما يك میلیون، به روشنی بیان داشتند.

معلمان همچنین خواستار کاهش فشار کاری در مدارس هستند و از جمله میگویند که حداکثر تعداد دانش آموزان در کلاسهای درسی باید ۲۵ نفر باشد که بتوان از يك استاندارد نسبتا قابل قبولی برای امر آموزش برخوردار شد. در همین راستا معلمان خواستار استخدام رسمی معلمان حق التدریسی و پیمانی که سالهاست با کمترین حقوق به کار تدریس اشتغال دارند، هستند. معلمان خواسته های دیگری چون ایجاد تسهیلات برای تامین مسکن و بیمه درمانی دارند. آنها خواستار برداشتن هر گونه سانسور و خفقان از محیط های آموزشی و آزادی معلمان زندانی هستند. فراتر از معضلات معیشتی معلمان با شعارهایی چون "آموزش رایگان حق کودکان ماست"، "بودجه آموزش هزینه نیست، سرمایه گذاری برای نسل آینده است"، "مدارس استاندارد حق طبیعی فرزندان ماست"، "ما حق طبیعی فرزندان ما" و آموزش و تربیت مدرن و بروز و مبتنی بر نیازهای جامعه و غیر متمرکز می خواهیم، بطور واقعی بر يك آموزش و پرورش مدرن و انسانی تاکید گذاشتند و

در گفتمان هایشان انتظارات خود را برای بالا بردن سطح آموزش با استانداردهای آموزشی جهانی و پیشرفتهای آنرا بیان میکنند. به این اعتبار خواسته های معلمان خواست کل جامعه است.

انترناسیونال: دولت وعده داده است که در صورت تصویب مجلس اسلامی طرح رتبه بندی معلمان را به اجرا می گذارد که بر اساس آن ۱۵۰ هزار تومان به حقوق معلمان افزوده میشود. نظر شما درباره این طرح و طرح های نظیر آن چیست؟

شهبلا دانشفر: معلمان به فاصله خط فقر بالای سه میلیون تومان و سطح نازل حقوق هایشان اعتراض دارند، اما اینها با بیشرمی تمام با وعده افزایش تنها ۱۵۰ هزار تومان به حقوق چند برابر زیر خط فقر کنونی، فکر میکنند میتوانند سر و ته قضیه را هم بیاورند. شما اگر همانطور که خود معلمان اعلام کرده اند میانگین دریافتی معلم را يك میلیون تومان در نظر بگیرد که بعضا رقمی بسیار کمتر از این مبلغ است، این افزایش ۱۵۰ هزار تومان، تاثیری بر فقر و بی تامينی آنان نخواهد داشت. همانطور که تصمیم شورای عالی کار مبنی بر دستمزد ۷۰۲ هزار تومانی برای کارگران يك اعلام جنگ آشکار به آنان و کل جامعه بود.

بگذریم حتی حقوقهای دو میلیون تومانی بخش کوچکی از معلمان و یا کارگران نیز هنوز زیر خط فقر است. در جامعه ای که مسکن بخشی عظیمی از درآمد خانواده ها را می بلعد. خبری از تامین اجتماعی و بیمه های اجتماعی اولیه ای چون درمان رایگان و تحصیل رایگان نیست، چنین وعده هایی تحقیر آشکار معلمان و کل مردم است. و این درحالیست که قیمت همه کالاها اضافه میشود، اما دستمزد معلم و کارگر و مزد بگیران، برای یکسال رقم زده میشود و با رشد سرسام آور و صعودی قیمت ها و نرخ تورم چنین سطحی از افزایش حقوق و دستمزدها چیزی جز

اعتراضات معلمان و دستاورد های آن

تحمیل فلاکت بیشتر بر گرده مردم نیست. روشن است که معلمان به این خفت تن نمیدهند و این را در مبارزاتشان اعلام کرده اند.

نکته قابل توجه دیگر اینست که دولت تحت عنوان طرح رتبه بندی معلمان و اجرای آن آنها در صورتی که مجلس تصویب کند، وعده افزایش حقوق معلمان را داده است. و باز بحثی از افزایش مستقیم سطح حقوق معلمان که خواست اصلی آنهاست نیست.

یک توطئه آشکار دولت و کارفرمایان و صاحبان سرمایه همیشه این بوده است که تحت عنوان مزایای شغلی و رتبه بندی مشاغل و غیره، خواست اصلی افزایش دستمزدها را به حاشیه برند. مزایای شغلی را می توانند هر وقت دلشان خواست قطع کنند. علاوه یک خاصیت دیگر آن اینست که استاندارد مزد در جامعه پایین باقی می ماند. اما سطح دستمزدها بیانگر آن سطح از استاندارد زندگی است که کارگر، معلم، پرستار و جامعه با مبارزاتش توانسته است تحمیل کند. از همین رو دستمزد یک موضوع محوری جدال طبقاتی در جامعه است.

یک جنبه مهم دیگر و هشدار دهنده چنین طرحهایی، تلاش برای ایجاد تفرقه در صفوف اعتراضات معلمان است. تلاش میشود با اعلام اینکه گویا ۱۵۰ هزار تومان به حقوقشان اضافه خواهد شد، بخشی از معلمان را فعلا با چنین وعده هایی آرام و در مبارزه سست کنند. اما وعده شان آنقدر نازل و خفت بار است که به تصور من بیشتر بر خشم معلمان دامن خواهد زد.

در هر حال در مقابل این توطئه و تفرقه افکنی ها، طرح مستقیم خواست افزایش دستمزدها از سوی کارگران، معلمان و یا پرستاران بسیار مهم است و خوشبختانه امروز یک نقطه قوت مبارزات اینست که با

خواستهایی روشن به جلو آمده اند و خواهان افزایش فوری حقوقهایشان هستند.

خلاصه کلام اینکه وعده هایی از نوع اجرای طرح رتبه بندی و افزایش مبلغ چندرقاز ۱۵۰ هزار تومان چیزی جز شانه بالا انداختن در برابر خواست برحق معلمان نیست. اگر چه همین نیز نتیجه اعتراضات گسترده معلمان و مبارزات کل کارگران بر سر حقوق و معیشت است. از جمله دیدیم که درست روز بعد از مبارزات هزاران نفره معلمان در ده اسفند مجلس سراسیمه از اختصاص یک میلیارد بودجه برای "پرداخت معوقات معلمان" سخن گفت و پاسخ معلمان نیز تاکید بر ادامه مبارزاتشان بود.

انترناسیونال: یکی از بحث ها و وعده هایی که بیشتر از طرف دولت به معلمان داده شده است اجرای قانون نظام هماهنگ است. طرح این مسئله خود به معنی آن است که معلمان در مقایسه با سایر کارمندان دولت مورد تبعیض قرار می گیرند. آیا اجرای این قانون دردی از معلمان دوا می کند و پاسخ خواسته های آنها هست؟

تبعیض در جامعه و به اینکه چرا حقوق یک نماینده مجلس، یک کارکن دستگاه بوروکراسی و سرکوب دولت چنان کلان است و دستمزد او چندین برابر زیر خط فقر، اعتراض کند. اما این اعتراض باید خود را با خواست مشخص افزایش حقوقها در سطح یک زندگی انسانی بیان نماید. اما وقتی بحث بر سر نظام هماهنگ است، معلوم نیست که استاندارد پایه کجاست و نقشی در افزایش مستقیم سطح دستمزدها در جامعه ندارد. علاوه وقتی از طرح نظام هماهنگ دستمزدها صحبت به میان است، معلوم نیست که حقوق معلم با چه سطحی از دستمزد حقوق بگیران جامعه قرار است هماهنگ شود. در میان خود معلمان بخشی از آنان حتی زیر یک میلیون تومان دستمزد میگیرند و بخش های محدودی ممکن است تا دو میلیون تومان و یا کمی بیشتر دستمزد داشته باشد و همه این سطوح از دستمزد زیر خط فقر است. بنابراین پاسخ فوری به وضع اسفبار معیشتی معلمان مبارزه ای متحد و سراسری حول خواست افزایش دستمزدهاست و کشاندن مبارزه به چهارچوبه خواست نامتعیین اجرای نظام هماهنگ حقوقها، صف اعتراض معلمان را پراکنده و متفرق میکند. از جمله نظیر همین معضل را در مبارزات پرستاران و با طرح خواستهایی چون اجرای تعرفه پزشکی و پرداخت کارانه پرستاری و غیره

می بینیم. و باز در دل همه این مباحث خواست اصلی آنها یعنی خواست افزایش حقوق پرستاران به حاشیه میروند. بنابراین پاسخ من به سوال شما اینست که اجرای طرح نظام هماهنگ ممکن است چندرقازی به حقوق بعضی از معلمان اضافه کند اما ضررش اینست که مبارزات معلمان را تضعیف و صف اعتراضشان بر سر خواست فوری افزایش دستمزدها را متفرق میکند. و مهمتر اینکه سطح استاندارد دستمزدها در جامعه را همچنان پایین نگاه میدارد و به این اعتبار معلمان و کل جامعه را در موقعیت ضعیف تری نگاه میدارد. بنابراین به نظر من اجرای نظام هماهنگ به هیچ وجه پاسخ نیست و بطور واقعی ربط مستقیمی هم به خواست افزایش حقوقها ندارد. بنابراین جنگ اصلی بر سر خواست افزایش دستمزدهاست که استانداردهای زندگی کل جامعه را تعیین میکند.

انترناسیونال: پیام شما به معلمان چیست؟

شهلا دانشفر: قبل از هر چیز به عنوان کسی که خود سالها معلم بوده و از نزدیک معضلات این بخش محروم جامعه را تجربه کرده ام، دست همکارانم را به گرمی میفشارم و بخاطر مبارزات درخشانی که داشته اند به آنها درود میگویم. و با شادباش نوروز آرزوی سالی پر از

موفقیت و پیروزی دارم. تاکید من همانطور که خود معلمان تاکید داشته اند، بر ادامه مبارزات آنان با خواستهایی روشن و خواست افزایش فوری دستمزدهاست. تاکید من بر همبستگی مبارزات کارگران، معلمان و کل جامعه بر سر این خواست است. تاکید من بر اتکای معلمان به نقطه قوت های مبارزاتی شان است و به صف متحد و قدرتمند مبارزاتی شان است. کانون صنفی معلمان تشکل مبارزاتی آنان است و خوشبختانه شاهد بوده ایم که معلمان با رادیکالیسم مبارزاتی شان، عملا جایی برای سازشکاری و به انحراف کشاندن مبارزه توسط برخی از عناصر دست اندر کار این تشکل باقی نگذاشته و جلو آمده اند. از جمله همانطور که اشاره کردم، پیگیری و نفس سازمانیابی معلمان در شبکه های اجتماعی به آنها امکان داده است هر جا که با سازشکاری و توقف اعتراضات خود در میانه راه روبرو شوند، خودشان فوراً مبتکر اعتراض و حرکت شوند و جلو بیایند. از جمله در این دوره ما شاهد جلو آمدن معلمان رادیکال و قرار گرفتن عملی آنها در صدر فعالیت های کانون در شهرهای مختلف بوده ایم و این روندی است که باید ادامه داد و تا همین جا دست آوردهای گرانقدری برای معلمان و برای کل جامعه داشته است. زنده باد مبارات متحد معلمان!*



ژورنال روزانه را بخوانید!

ژورنال همه روزه بجز جمعه ها

منتشر می شود

سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com

ایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردید در اعتراضات سالهای قبل معلمان، اجرای طرح نظام هماهنگ حقوقها، محور بود. و ایراد این خواست همانطور که بارها توضیح داده ایم، نامتعیین بودن آنست، بی ربط بودن آن به خواست مستقیم افزایش حقوقها و در واقع به حاشیه بردن آنست، محدود نگاهداشتن مبارزات معلمان در کردورهای تصمیم گیری مجلس و دولت بر سر این موضوع و سردواندن و به فرسودگی و تفرقه کشاندن آنهاست. و همه اینها را معلمان در طول اعتراضات یک دهه اخیر خود بخوبی تجربه کرده اند. طبیعا معلم حق دارد که به

تجمع ۵۰۰ کارگر پتروشیمی تبریز مقابل اداره کار!

را و ادار به پایان تحسن کرده بود. کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری از این اعتراضات کارگران پتروشیمی تبریز حمایت کرده و کارگران سایر بخش های پتروشیمی را نیز فرا می خواند از مبارزات همکارانشان برای برخورداری از دستمزدهای برابر و قراردادهای دائم کار حمایت کرده و این کارگران را تنها نگذارند. اعتراض و مبارزه کارگران به همراه حمایت وسیع و گسترده همکارانشان در سایر بخش های پتروشیمی، قادر است خواستهای برحق کارگران به کارفرماها تحمیل نماید.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۵ فروردین ۱۳۹۴ برابر با ۲۵ مارس ۲۰۱۵

نماید. اعتراضات کارگران از اوایل سال ۹۴ آغاز شده و تا به امروز ادامه داشته. در روز های اول سال که همزمان بود با تعطیلی، کارگران مقابل در ورودی کارخانه برای مدت چهار تحسن کرده بودند. در ادامه این اعتراضات کارگران روز چهارشنبه ۵ فروردین در اداره کار تبریز دست به تجمع زده و خواهان رسیدگی به خواستههایشان شدند. لازم به توضیح است که در خرداد سال ۹۳ نیز بیش از ۶۰۰ کارگر پتروشیمی تبریز در اعتراض به تبعیض در پرداخت دستمزد و تلاش کارفرما برای تبدیل قرارداد کار مستقیم این کارگران به قراردادهای موقت یکساله، به مدت دو هفته دست به تحسن زده بودند. در جریان این اعتراض کارفرما با دادن وعده و وعیده کارگران

بیش از ۵۰۰ کارگر پتروشیمی تبریز امروز چهارشنبه ۵ فروردین ۱۳۹۴ در اعتراض به ممانعت کارفرما از ورودشان به کارخانه، در مقابل اداره کار این شهر تجمع کردند. کارگران از امضای قرار داد جدید کار مورد نظر کارفرما که کارگران مستقیم پتروشیمی را در رده بندی قرارداد موقت یکساله وارد می کند، خودداری کرده اند. کارگران میگویند این قراردادها عملاً قرارداد موقت بوده و کارگران را مجبور به کار با دستمزدهای چندین برابر زیر دستمزد کارگران مستقیم و رسمی وادار می کند به همین دلیل کارگران این قراردادها را امضا نخواهند کرد. این کارگران در بخش تعمیرات و نگهداری مشغول به کار می باشند. در همین حال حراست کارخانه کماکان از ورود کارگران به کارخانه جلوگیری می

هزاران نفر در مراسم خاکسپاری یونس عساکره در خرمشهر شرکت کردند

جانباختن یونس عساکره را صمیمانه به خانواده و بستگانش تسلیت میگوییم و مردم خوزستان و سراسر کشور را به اتحاد و یکپارچگی و دفاع از مبارزات یکدیگر برای سرنگونی حکومت اسلامی فرامیخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ اسفند ۱۳۹۴، ۲۴ مارس ۲۰۱۵

مردم قاتلین واقعی یونس عساکره و عاملین فقر و بیکاری و محرومیت خود را بخوبی میشناسند. تجمع مردم اهواز و حضور هزاران نفره مردم در مراسم خاکسپاری یونس و بلند کردن عکس او نه فقط بزرگداشت یونس و اعلام همدردی با خانواده او، بلکه اعتراض به دشمنان خود، به حکومتی که عامل خودسوزی یونس و فقر و بیکاری میلیون ها نفر است و اعلام آمادگی عمومی برای بلند شدن و یکسره کردن کار این حکومت است.

روز سوم فروردین هزاران نفر از مردم خرمشهر و سایر شهرهای خوزستان در مراسم خاکسپاری یونس عساکره شرکت کردند تا همبستگی طبقاتی خود را با این جوان دستفروش نشان بدهند و به این وضعیت اعتراض کنند. یونس عساکره دستفروشی بود که در سن ۳۲ سالگی در روز ۲۵ اسفند در مقابل ساختمان شهرداری خرمشهر خود را به آتش کشید و در روز ۲ فروردین جان باخت.

طبق گزارشی که به ما رسیده است، مراسم خاکسپاری یونس از ساعت ۹ صبح با تجمع در خیابانهای اطراف حسینیه کوت شیخ در خرمشهر شروع شد و هزاران نفر که عمدتاً جوان بودند، در این مراسم شرکت کردند و با شعار حریه حریه (آزادی آزادی) خشم و نفرت خود را علیه فقر و محرومیت و ظلم و ستمی که به مردم میشود بیان کردند. علاوه بر مردم خرمشهر تعدادی نیز از آبادان و اهواز و برخی شهرهای دیگر در این مراسم شرکت داشتند.

خودسوزی یونس عساکره موجی از خشم و انزجار در میان مردم خوزستان دامن زده است. از جمله روز ۲۸ اسفند هزاران تن از جوانان در شهر اهواز با در دست داشتن عکس های یونس، دست به اعتراض زدند و این اعتراضات به درگیری با نیروی انتظامی منجر شد.



یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

پاسخ زندانیان سیاسی به پیام نوروزی خامنه‌ای!

خامنه‌ای در پیام نوروزی‌اش آرزو کرد سال ۹۴ سال "پیشرفتهای اقتصادی" و "ایمان و معنویت" و "همدلی و همزبانی" بین دولت و ملت باشد. اما همه میدانند معنی واقعی این سخنان چیست. "پیشرفت اقتصادی" یعنی انباشته شدن بیشتر حسابهای بانکی آیت الله‌ها و خالی شدن بیشتر جیب مردم، "ایمان و معنویت" یعنی تعرض بیشتر به زنان و جوانان و کل جامعه با شمشیر مقدسات اسلامی، و "همدلی و همزبانی" کذائی هم بجز تقابل و جنگ بی‌امان مردم با رژیم دزد و تا مغز استخوان فاسد جمهوری اسلامی معنائی ندارد!

مردم سال گذشته در اعتراضات و مبارزاتشان علیه داعشیان حاکم در ایران همدلی و همزبانی خود

را نه با حکومت سرکوبگر بلکه با یکدیگر به روشنی اعلام کردند. همدلی و همزبانی در رهائی از شر جمهوری اسلامی. این خواست مردم در آستانه سال نو در پیام نوروزی زندانیان سیاسی گوهر دشت به روشنی بیان شده است:

"آرزوی منم سال ۱۳۹۴ خورشیدی سال رهایی ملت ایران از دیو فقر، تنگدستی، بیکاری گرانی، تورم، تبعیض‌های گوناگون، سرکوب، تیره بختی، تحمیلی از سوی رژیم ستمگر دیو صفت و منفعت طلب واپسگرایی حاکم بر ایران باشد. ..."

این جواب زندانیان سیاسی، در گوهردشت و در زندان بزرگ ایران، به پیام رهبر رژیم دیوصفت حاکم است! *

از "من چارلی هستم" تا "ما همه فرخنده ایم"!

علیه داعش، تا تعرض زنان و مردان آزاده ایران علیه داعشیان اسید پاش در ایران، تا اعتراضات زنان آزادیخواه در افغانستان همه برآمدهای یک جنبش واحد علیه زن ستیزی اسلامی است. قتل فجیع فرخنده خود واکنش اسلاميون به این جنبش عظیم بود که به ضد خود تبدیل شد و مبارزات و اعتراضات نسبتاً وسیعی را بدنال خود داشت که هنوز ادامه دارد. این اعتراضات و مبارزات یک بار دیگر بر این واقعیت تاکید میکند که جنبش رهائی زن نقش تعیین کننده‌ای در رهائی مردم ایران و افغانستان و همه کشورهای اسلامزده از شر حکومتها و نیروهای اسلامی ایفا میکند. بیحقوقی مفرط زنان یک رکن قوانین و مقدسات اسلامی است و مبارزه برای رهائی زن یک رکن مهم مذهب زدائی از دولت و از جامعه. *

قتل فجیع فرخنده مانند حمله به دفتر هفته نامه چارلی ابدو واکنش نیروهای فوق ارتجاعی اسلامی در برابر یک جنبش وسیع ضد مذهبی است. در ماجرای ترور پاریس آزادی نقد مذهب و در ترور کابل آزادی زن مورد هجوم اسلاميون قرار گرفت و در هر دو مورد با یک حرکت تعرض توده‌ای پاسخ گرفت: مارش عظیم پاریس با شعار من چارلی هستم و تشییع جنازه فرخنده با شعار ما همه فرخنده هستیم.

این حرکتها صرفاً اعلام حمایت با قربانیان تروریسم اسلامی نیست، بلکه اعلام کیفر خواست مردم جهان علیه مقدسات مذهبی و زن ستیزی و آزادی ستیزی اسلامی است. امروز بویژه در خاورمیانه مبارزه برای رهائی زن به یک جبهه مهم تعرض علیه دولتها و نیروهای اسلامی تبدیل شده است. از میدان آمدن فعال زنان کوبانی

مذاکرات هسته ای و مساله امنیت برای دولتها و برای مردم!

مقامات آمریکائی بارها از مطلوبیت رسیدن یک توافق خوب در مذاکرات هسته‌ای سخن گفته اند. اما منظور از یک توافق خوب چیست؟ اوپاما در آخرین اظهار نظرش در مود مذاکرات در روز سه شنبه یک توافق خوب را چنین توصیف میکند: "مطمئن هستم اگر توافقی صورت گیرد، توافق خوبی خواهد بود... خوب برای امنیت آمریکا، امنیت اسرائیل و امنیت منطقه."

مردم با سیاست حفظ امنیت دولت آمریکا بخوبی آشنا هستند. تاریخ بارها نشان داده است که امنیت دولت آمریکا یعنی نا امنی توده مردم! طبقه حاکمه آمریکا هیروشما و ناکازاکی را با ادعای حفظ

امنیت ملی آمریکا به آتش کشید، ویتنام را تحت همین عنوان با بمب و موشک شخم زد و فاجعه امروز خاورمیانه نیز ثمره سیاستهای "امنیتی" دولت آمریکا است. سر بلند کردن داعش و دیگر نیروهای اسلامی درخاورمیانه و شمال آفریقا و جنگ و کشاکش میان جمهوری اسلامی و عربستان و دار و دستجات فوق ارتجاعی وابسته به آنها در سوریه و عراق و امروز در یمن، همه از نتایج مستقیم و غیرمستقیم تهاجم نظامی آمریکا و متحدینش به افغانستان و عراق است. کل فاجعه امروز خاورمیانه زیر بیرق و با ادعای حفظ امنیت ملی و امنیت جهانی از سوی هیات حاکمه آمریکا شکل گرفته است.

طبقات حاکمه و دولت‌هایشان معنائی بجز جنگ و ویرانی و ناامنی برای توده مردم ندارد. از نقطه نظر توده مردم در ایران و خاورمیانه و در همه جا نه توافق و نه عدم توافق در مذاکرات هسته‌ای هیچیک نمیتواند "خوب" و به نفع امنیت مردم باشد. راه رهائی مردم، راه تامين امنیت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی برای نود و نه درصدیها در ایران و افغانستان و عراق و کل خاورمیانه، شکل دادن به یک جنبش توده‌ای قدرتمند علیه نیروها و دولت‌های اسلامی از یکسو و علیه

سیاستها و دخالتگریهای دولت آمریکا و متحدینش از سوی دیگر است. جنبش اشغال، انقلابات بهار عرب، جنگ پیروزمند در کوبانی، مبارزات پیگیر زنان و جوانان و مردم ایران علیه بختک جمهوری اسلامی، و امروز بیداری و تحرك زنان و مردم آزادیخواه افغانستان علیه مرتجعین اسلامی، جرقه‌هایی هستند که راه رهائی مردم را نشان میدهند. بالائی‌ها به هر توافقی برسند و یا نرسند مردم معترض و بجان آمده از وضعیت موجود راه خود را دنبال خواهند کرد. *



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiiran.org

مراسمهای ۸ مارس امسال در فضایی متفاوت از سالهای قبل برگزار شد. این فضا تحت تاثیر مبارزات زنان در ایران، افغانستان و بسیاری دیگر از نقاط جهان بود. بخاطر این مبارزات بود که ۸ مارس به عقب مانده ترین و ضد زن ترین حکومت های جهان همچون جمهوری اسلامی تحمیل شد و آنها را ناچار ساخت ۸ مارس را به رسمیت بشناسند. مصاحبه با مینا احدی و افسانه وحدت و گزارش های کوتاهی که در این شماره می خوانید جلوه هایی از مراسم های ۸ مارس امسال و جنبش رو به جلو برابری طلبانه زنان را نشان میدهد. خیزش عظیم زنان افغانستان در اعتراض به جنایت وحشیانه قتل فرخنده و به عقب راندن ملاحای مرتجع و آدمکش از صحنه توسط آنان و حمایت گسترده جهانی از این خیزش، درستی این ارزیابی ها و چشم انداز روشن مبارزات زنان آزادیخواه در همه جهان را نشان میدهد.



ارزیابی از مراسمهای ۸ مارس

مصاحبه با مینا احدی

انترناسیونال: هشت مارس ۲۰۱۵ را پشت سر گذاشتیم، ارزیابی شما از مراسم ها و برنامه های هشت مارس در ایران و در خارج از کشور چه بود؟

مینا / احدی: هشت مارس روز جهانی دفاع از حقوق و حرمت زنان است و این روز تاریخا به جنبش چپ و انسانگرا و برابری طلب ربط دارد. اولین نکته که باید روی آن تاکید کرد اینست که در ایران این روز به یک واقعه تثبیت شده در بین افکار عمومی و بین جنبش های مختلف تبدیل شده و همین یک نکته مهم است. در ایران تحت حاکمیت جنبش اسلامی و حکومت اسلامی، همواره نفس هشت مارس بعنوان روز جهانی زن موضوع جدل و کشمکش بین حکومت اسلامی و زنان آزادیخواه و همچنین یک موضوع کشمکش بین جنبشهای مختلف اجتماعی بوده است. حکومت اسلامی روز تولد فاطمه زهرا را روز زن می نامید و دیگران از روزهایی دیگر حرف میزدند. به یمن یک جنبش گسترده مدافع حقوق زنان در ایران و به یمن وجود یک اعتراض علیه زن ستیزی اسلامی که پرچم آنرا هزاران زن در هشت مارس ۱۳۵۸ در ایران بلند کردند، اکنون میتوان از هشت مارس بعنوان یک روز شناخته شده و از هژمونی هشت مارس در ایران حرف زد و این مهم است. تا آنجا که به هشت

همچنین وجود یک جنبش عمیق اجتماعی در ایران بر علیه زن ستیزی اسلامی را نمایندگی کنند.

انترناسیونال: در مورد اوضاع و احوال در روزهای قبل از هشت مارس و یا کلا سال ۲۰۱۴ و موقعیت زنان و پیشروی و یا تحمیل عقبگرد به زنان را چگونه ارزیابی میکنید؟

مینا / احدی: سال ۲۰۱۴ تا آنجا که به موقعیت زنان برمیگردد، سالی پر از تناقض و سالی سخت و بسیار دردآور بود. در این سال ما شاهد عروج داعش در عراق و سوریه بودیم، ما شاهد تعرض وحشیانه بوکوحرام علیه زنان بودیم، در افغانستان روزی نبود که خبر ترور یک زن را شنویم، قتل ناموسی در ترکیه و افغانستان و ایران و ... جزو اخبار روزمره سال بود و ... در این سال ما شاهد بودیم که چگونه جریانات بغایت کثیف و ارتجاعی زنان را در قفس کرده و به معرض فروش گذاشتند، در این سال مجددا شاهد سنگسار شدن زنان بودیم و ...

در ایران تحت حاکمیت اسلامیها، حمله به زنان از سوی حکومتها شدت و حدت گرفت. اسید پاشی بر صورت زنان و یا طرح قوانینی برای خانه نشین کردن زنان و ممنوعیت جلوگیری یا حملات مداوم و تند ملاحای

حاکم بر زنان بد حجاب و بی حجاب، نمونه هایی از تقلای جمهوری اسلامی بود. ایران اما مرکز اعتراض به قلب داعش است و زنان در این کشور با یک مبارزه اجتماعی عمومی و فراگیر سر مار اسلام سیاسی را نشانه گرفته اند و در این زمینه سال ۲۰۱۴ اتفاقا سال پیشرویهایی قابل توجه این جنبش بود. جنبش پرتاب کردن حجاب و روسری که توجه جهانی را جلب کرد، جنبش مقاومت در مقابل قوانین زن ستیزانه و جنبش خلاصی فرهنگی و زدن زیر پای سنتهای اسلامی چون در ایران عمومی و همگانی است رژیم اسلامی را عملا فلج کرد. این بسیار مهم است که در ایران ما شاهد یک جنبش برابری طلبانه گسترده علیه آپارتاید جنسیتی و یا سنتهای عقب مانده و اسلامی هستیم که دیگر چنان همگانی و میلیونی است که هیچ گشت ارشاد و بسیجی و خواهر زینب و فاطمی کوماندویی قدرت مقابله با آنرا ندارد.

اینجا میخواهم بگویم که سال ۲۰۱۴ سال متناقضی بود از یکطرف حمله وحشیانه و غیر قابل توصیف به حقوق زنان و از طرف دیگر مبارزه و مقابله زنان با این تعرضات را شاهد بودیم.

با آمدن داعش در سال ۲۰۱۴ ما شاهد قتل و جنایت بر علیه هزاران و میلیونها زن در این منطقه بودیم تجاوز و تعرض به زنان ابعاد بسیار وحشتناکی بخود گرفت و در کردستان سوریه در مقابل این تعرض شاهد جنبش مسلحانه و نبرد رو در رو زنان در کوپانی و یا بقیه شهرهای کردستان سوریه بودیم که آوازه این مبارزات جهانی شد و توجه و سمپاتی عمومی زیادی را بخود جلب کرد. در این سال در ترکیه اردوغان با سیاست اسلامی کردن این کشور، حمله به حقوق و حرمت زنان را سازمان داد و در تقلای ممنوعیت حضور زنان حامله در خیابانها و یا ممنوع کردن خنده بر لبهای زنان بود!!

در مقابل این تعرض بیرحمانه حکومت ترکیه به حقوق زنان که ابعاد متعدد و متنوعی داشت، یک جنبش گسترده و علنی در ترکیه را شاهد بودیم و به نوعی یک جمل

بزرگ اجتماعی در قلب ترکیه را نشان میداد.

در افغانستان ما در سال ۲۰۱۴ شاهد رشد جنبش اعتراضی علیه زن ستیزی و در عین حال شاهد اعتراضات اجتماعی و علنی تر زنان بودیم. آخرین نمونه آن، حرکت اعتراضی جالب و مهم یک زن بر علیه آزار و اذیت های خیابانی زنان بود او لباس رزم بر تن کرد و به خیابان آمد و اعلام کرد که از این طریق علیه دست زدن به زنان و تعرض جنسی به زنان از سوی مردان در خیابانها اعتراض میکند که متأسفانه در کشورهای اسلام زده یک پدیده گسترده و بسیار آزار دهنده و عمومی است.

در سال ۲۰۱۴ طبعاً در مصر و تونس و ... شاهد اعتراضات گسترده تر و علنی و در مواردی سازمان یافته زنان بودیم و مبارزه علیه زن ستیزی اسلامی گسترده تر و علنی تر شده و دارد روز به روز وسیعتر میشود.

خلاصه کنم سال ۲۰۱۴ سال اعتراض زنان و مردان آزاده علیه زن ستیزی اسلامی و سال تعرض جنبش اسلامی در برخی مناطق به زنان بودیم. این جنگ و نبرد احتمالا سال ۲۰۱۵ را نیز شکل خواهد داد و ما باید بکشیم در این سال متحدانه تر و آگاهانه تر به جنگ این جنبش ارتجاعی و زن ستیز رفته و یک جبهه واحد علیه این تعرض به حقوق زنان در کشورهای اسلام زده و در دنیا شکل بدهیم.

انترناسیونال: به ایران و نقش مبارزات زنان در این کشور برمیگردیم، شما فکر میکنید نقش جنبش برابری طلبانه زنان در این ۳۶ سال چگونه بوده و این تجربیات چه نقشی در مبارزات زنان در کشورهای اسلام زده میتواند بازی کند؟

مینا / احدی: این یک سوال مهم است که باید به تفصیل آنرا پاسخ دهیم. ۳۶ سال قبل در ایران یک حکومت اسلامی روی کار آمد که تعرض به زنان را از همان روزهای اول حیاتش سازمان داد. این حکومت با حمله به زنان بعنوان

از صفحه ۱۰

ارزیابی از مراسمهای ۸ مارس

بخش "ضعیف" جامعه که دیگران از آنها دفاع نخواهند کرد، سعی کرد به کل جامعه چنگ و دندان خود را نشان دهد و با فرستادن مرددانی فالانژ با شمایل اسلامی، به خیابان به کل جامعه بگوید که از این پس فعال هر اعتراضی و هر حرکت اجتماعی با این نرینه های خونخوار و وحشی روبرو است. و چنین شد. فرمان خینی یا روسری یا توسری بود و در مقابل هزاران زن به خیابان آمدند و گفتند نه روسری نه توسری و حقوق زن جهانی است نه شرقی نه غربی. این شعارها آلترناتیو حکومت اسلامی بودند، زنان به میدان آمدند و عملاً در چنین شرایطی فرمان ادامه انقلاب و "نه به جمهوری اسلامی" را دادند. زنان بعد از این اعتراضات که اتفاقاً با هشت مارس عجین شد، عملاً یک انقلاب زنانه علیه حکومت اسلامی را شروع کردند. انقلابی که بنا به تعریف فقط باید چپ باشد. چرا که علیه سیستم، علیه جنبش اسلامی و در نقد اسلام و مذاهب است و از برابری مطلق زن و مرد دفاع میکند.

اینکه ما زنان، نسل من که در ایران در سال ۵۸ به خیابان رفته و اولین هشت مارس علیه حکومت اسلامی را وسیع و گسترده شکل دادیم چه پاسخی از حکومت اسلامی گرفتیم. داعش در ایران چه بر سر ما معترضین و پرچمداران انقلاب زنانه علیه جنبش اسلامی آورد، اینک جزو اسناد تاریخی این کشور است. هزاران نفر از ما را گرفتند و کشتند، قبل از اعدام به بسیاری از زنان تجاوز کردند، صدها و هزاران زن را در سیاه چالهای مخوفشان به گروگان گرفتند، ما زنان معترض و ضد حکومت را در تابوتها گذاشتند و گفتند جیک هم نباید بزیند تا به این حکومت و ایدئولوژی ضد انسانی آن تمکین کنید. ولی ما این کار را نکردیم. در داخل تابوتها نیز از حرمت و حقوق انسانی خودمان و از پرچم نه به حکومت اسلامی

و انقلاب زنانه علیه جنبش اسلامی دفاع کردیم و این نسل زنده است و اینک جنبش دادخواهی علیه اسلام سیاسی و خمینی و خامنه ای و روحانی را رفسنجانی را به پیش میبرد.

در این مدت و در این سالهای گذشته یک اتفاق جهانی مهم افتاده است در برخی از کشورهای حکومت اسلامی برپا شده و جنبش اسلامی به صورت لجام گسیخته ای به حرمت ما زنان حمله کرد. این جنبش البته ساخته دنیای "مردن امروز" است و به کمک دولتهای غربی و آمریکا و فرانسه و انگلیس و آلمان اسلامیها قدرت گرفتند و همین دولتها در ساختن حکومتهای موزاییکی در افغانستان و عراق و غیره به جنبش اسلامی کمک کردند. اکنون هم با چشم بستن بر بیش از سه دهه جنایت اینها بر علیه زنان با چشم بستن بر سنگسار و زن ستیزی اسلامی و با توجیه این جنایات میکوشند اینها را جذب سیستمشان کنند و از جنبه ضد غربی و ضد امپریالیستی اینها کم کرده و علیرغم سنگسار و زن کشی و تحمیل حجاب به زنان و ... با آنها کنار بیایند. ما اکنون در دنیا با یک سیستم و دولتهایی طرف هستیم که نظم نوین جهانی را نمایندگی میکنند و این دولتها به زنان و به تن و بدن و حرمت و حقوق انسانی زنان تعرض میکنند و عملاً موضوع زن حرمت زن و مسئله زنان به یک موضوع محوری در سیاست و دنیای امروز تبدیل شده است.

زنان در مقابل این قوانین این سنتها و این تعرض و زن ستیزی و حشتناک مقاومت میکنند و این مبارزه زنان در عمل مبارزه ای است چند بعدی، مبارزه علیه سیستم سرمایه داری و همراهی این مبارزه علیه حکومتهای اسلامی و جنبش اسلامی، مبارزه علیه یک مذهب و تفکر زن ستیز و در عین حال مبارزه علیه پست مدرنیسم و

نظریه هایی که سنگسار را "فرهنگ آنها" قلمداد میکند و علیه حجاب اسلامی لام تا کام حرف میزنند و مبارزه یا نقد یک نوع چپ اسلامگرا و ضد امپریالیست و یک نوع فمینیسم پست مدرنیست که سنگسار زنان او را از جا تکان نمیدهد و حجاب را رنگارنگی جامعه و بعنوان یک نوع مدل لباسی شرقی و جذاب به افکار عمومی میفروشد.

میخواهم تاکید کنم که وقتی امروز در مورد مسئله زنان حرف میزنیم فقط در مورد ناب برابری کلاسیک بین و زن مرد حرف میزنیم. من در مورد زن متولد شده در افغانستان و یا سودان و یا نیجریه و یا ایران حرف میزنم که موقعیت این زنان و برخورد به این زنان به مرکز سیاست بین المللی تبدیل شده و به تبع این موقعیت هر نوع مبارزه زنان از پس زدن حجاب گرفته تا سازمان دادن مبارزه علیه شریعه و قوانین اسلامی به یک چالش بزرگ با سیستم موجود تبدیل میشود و این امری است بسیار مهم.

در اینجا می خواهم در مورد تجربه درخشان زنان در ایران حرف بزنم. مقابله با زن ستیزی اسلامی در ایران ابعاد مختلفی دارد. در هشت مارس ۱۳۵۸ زنان به خیابان رفتند و روز هشت مارس را بعنوان یک روز چپ و روز سمبلیک در دفاع از حقوق زنان تثبیت کردند جنبش برابری طلبانه زنان در ایران چپ متولد شد و چپ ماند.

یک چالش مهم این جنبش بر سر حجاب بود. حجاب اکنون در دنیای امروز سمبل و پرچم جنبش اسلامی است و زنان در ایران به درست حجاب را نشانه رفته و با پرتاب کردن حجابها در سال ۲۰۱۴ عملاً سمبل جنبش اسلامی را پرتاب میکنند و یا آنرا آتش میزنند.

یک جنبه موقعیت زنان در کشورهای اسلام زده مسئله مذهب و اسلام است. شما نمیتوانید در یک کشور اسلام زده که با نام اسلام به شما حمله میشود و طبق قوانین اسلام شما را به سنگسار محکوم میکنند در مورد اسلام لام تا کام نگوید. چالش با اسلام و مذهب یک جنبه از دفاع از حرمت انسانی

زنان است و در ایران این چالش بزرگ هم اجتماعاً در حال انجام شدن است این مهم است. در ایران نسل جوان برای اسلام دیگر تره خرد نمیکند و در عمل زیر همه این مقررات زده است. این هم یک پایه و ستون دیگر مبارزه علیه اسلام سیاسی است.

یک نکته دیگر اینست که اسلام و جنبش اسلامی زنان را در چادر و برقع میخواهد یعنی موجودیت زنان برجستگی های بدن زنان و هویت انسانی زنان و فردیت و منیت آنها را زیر چادر سیاه میبرد. این یعنی محو کردن زنان از جامعه و خط زدن هویت انسانی زنان. زن در ایران و کشورهای اسلام زده برای دفاع از خود و حقوق انسانی اش در مواردی نه فقط حجابها را پرتاب میکند بلکه کل این بساط را با خشم بهم میزند و لخت و عور در مقابل دوربین ایستاده و با علنی کردن عکس برهنه خود به این نظم و به این سیستم و به این تفکر و این نوع زن ستیزی "لخت و عور" اعلان جنگ میکند و این در کشورهای اسلام زده بسیار مهم است. این نه فقط عملی است صد در صد شجاعانه چرا که این عمل یعنی بازی با جان خود و تهدید به مرگ شدن هم از طرف حکومت و سیستم و مرتجعین اسلامی و هم تهدید به مرگ در مواردی از طرف خانواده و دوستان و یا در مواردی از طرف ضد امپریالیستها و مدافعین دو آتشه جنبش اسلامی.

در اینجا میخواهم المنت های یک جنبش علیه زن ستیزی اسلامی را جمع بندی کنم. مقابله با حکومت های اسلامی، جنبش اسلامی، سیستم سرمایه داری و نظم نوین جهانی در دنیای امروز و در عین حال مبارزه با حجاب اسلامی، مبارزه با اسلام و مذهب و نقد اسلام و جنبش برهنگی.

در همه این عرصه ها در ایران شاهد جنبش های اجتماعی بودیم ولی این جنبشها در طول ۳۶ سال ساخته شده اند. و در عرصه فکری و نظری و سیاسی و اجتماعی یک حزب یک جریان یک تعداد چهره ها و کمیون ها به دوام بقا این جنبش ها یاری رسانده و یا آنرا رهبری کرده اند و این مهم است. در این عرصه ها در ایران

ماشاهد جنبش های گسترده و اجتماعی هستیم و میخواهم اینجا تاکید کنم که حزب کمونیست کارگری و چهره ها و فعالین این حزب در همه این زمینه ها فعال و پیشرو بوده و پرچمی که زنان در سال ۱۳۵۸ در ایران بلند کردند را در دستهای خود گرفته و همچنان با پیشتازی به پیش میروند. ما در تمام این زمینه ها در عرصه نظری و عملی درگیر بوده و شجاعانه و فعالانه در دنیا این پرچم را بلند کرده و بدون لکتت زبان تابو شکسته و از حرمت زنان دفاع کرده ایم.

عرصه مقابله با حجاب اسلامی، عرصه تابو شکنی در نقد مذهب، عرصه دفاع از خلاصی فرهنگی، عرصه مقابله با سنگسار و زن ستیزی وحشیانه اسلامی، عرصه دفاع از تابوشکنی و جنبش برهنگی و عرصه مقابله با پست مدرنیسم و نسبیت فرهنگی ...

بی دلیل نبود که هشت مارس امسال در هر کجا که چهره های این حزب حضور داشتند با استقبال کم نظیر مردم روبرو شده اند. چرا که ما ۳۶ سال است که میگوییم که ایران کشور اسلامی نیست، میگوییم که جنبش اسلامی یک جنبش ضد انسانی است میگوییم غرب در رسیدن به حکومت این جانوران نقش داشت و همواره از آنها در مقابل مردم و چپ دفاع کرده و این بخت را بر سر مردم این کشورها سوار کرده است، همواره گفته ایم جامعه ایران یک رنسانس فکری لازم دارد و باید تابو شکست و نقد به مذهب و اسلام را در این کشورها دامن زد و ...

آخرین نکته ای که میخواهم اینجا تاکید کنم اینست که حزب ما دهها و دهها چهره محبوب و شناخته شده و ارزشمند دارد که در دنیا در مقابل فمینیسم و مالتی کاترالیسم و جنبشهای اسلام پناه ایستاده و پرچم جهانشمولی حقوق انسانی را در دست دارند و جامعه ایران و جوانان در ایران باید به این تاریخچه و به این فعالیتها و به این چهره ها توجه کرده و نقش و جایگاه این مبارزات را ببینند و از دستاوردهای این مبارزات بیشترین استفاده را بکنند.*



صدای اعتراض علیه بی حقوقی کودکان و زنان در ایتالیا

مصاحبه با افسانه وحدت

انترناسیونال: دو هفته قبل به مدت چند روز در ایتالیا بودی و فعالیت‌هایی در آنجا داشتی، قبل از اینکه در مورد این فعالیت‌ها صحبت کنیم، چطور شد که به این سفر رفتی؟

افسانه وحدت: با تشکر از شما برای این مصاحبه، من به دعوت آقای طاهر جعفرزاده مسئول انجمن ندا دی به ایتالیا رفتم. ایشان در مدت ۷ روز اقامت من در آنجا، ۶ برنامه را سازمان داده بودند که عمدتاً در مورد ازدواج کودکان و حقوق زنان بود. با این برنامه‌ها صدای اعتراض ما علیه بی حقوقی کودکان و زنان به گوش میلیون‌ها نفر در ایتالیا رسید. می‌گویم میلیون‌ها نفر چون روز آخر اقامت من در ایتالیا یعنی ۱۱ مارس برنامه صبحگاهی از تلویزیون سراسری به اسم "کانال ایتالیا" ما را دعوت کرده بود. من و طاهر جعفرزاده در این برنامه مستقیم ۳ ساعته به سوالات بینندگان در مورد ازدواج کودکان و کلاً وضعیت حقوق کودکان در کشورهای اسلام زده جواب دادیم. برنامه قرار بود ۲ ساعت باشد ولی به دلیل استقبال مردم به ۳ ساعت افزایش پیدا کرد.

انترناسیونال: لطفاً درباره کمیته ندا دی و فعالیت‌های آن توضیح بیشتری بده.

افسانه وحدت: انجمن ندا دی انجمنی است که برای دفاع از حقوق پناهجویان در ایتالیا توسط طاهر جعفرزاده تأسیس شد و در سال ۲۰۰۹ نامش به دنبال قتل ندا آقا سلطان به دست جنایتکاران حاکم بر ایران، به ندا دی تغییر کرد. این انجمن هر ساله ده‌ها برنامه در افشای جنایات اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی علیه مردم ایران تدارک

می‌بینند. در حقیقت طاهر جعفرزاده تنها صدای رسا علیه اسلام سیاسی در ایتالیا است. چهره‌های سرشناس و مورد احترام رسانه‌های ایتالیا و بخصوص مردم پوردرنونه است. برایم بسیار خوشایند و جالب بود که وقتی با طاهر در شهر قدم می‌زدیم، تعدادی از رهگذران به ایشان سلام و ادای احترام می‌کردند. انجمن ندا دی هر ساله جایزه‌ای به همین اسم به دو دانشجو که پایان نامه بهتری از بقیه در جهت حقوق زنان و کودکان نوشته اند می‌دهد. صدها نفر در این انجمن فعال هستند که بعضاً از از چهره‌های سرشناس ایتالیا هستند. به همت طاهر جعفرزاده و انجمن ندا دی و همکاری نزدیک با مینا احدی چهره سرشناس مبارزه علیه اعدام و سنگسار افرادی چون سکینه محمدی آشتیانی، ریحانه جباری، ندا آقا سلطان، غنچه قوامی و ... برای مردم ایتالیا شناخته شده هستند. و مبارزات مردم ایران از حمایت بخش‌های وسیع‌ای از مردم ایتالیا برخوردار است.

انترناسیونال: رئوس برنامه هایت در ایتالیا چه بود؟ در دو نمایش فیلم "می‌توانیم تغییر ایجاد کنیم" و جلسات پرسش و پاسخ آن شرکت داشتی. موضوع این فیلم چیست؟ نمایش آن به چه مناسبتی بود؟

افسانه وحدت: مهمترین موضوع این روزها معضل ازدواج کودکان بود که با قدرت گرفتن نیروهای جنبش اسلامی به شدت افزایش یافته است. و همچنین حقوق زنان در ایران و ممنوعیت ورود آنها به ورزشگاه‌ها که همه را گیج کرده و باورش برای خیلی‌ها مشکل است.

در روزهای ۶، ۷ و ۸ و ۹ مارس در سینمای شهرهای پوردرنونه، ساچیله و فلورانس و

همینطور در سالن شهرداری فلورنس جمعاً دو فیلم به نمایش گذاشته شد. نخست فیلمی که به همت آنجلینا جولی تهیه شده به اسم "دیفرت" و همچنین فیلم "آفساید جعفریناهی". پس از نمایش فیلم‌ها سخنرانی و سوال و جواب در مورد موضوع فیلم بود. فیلم "دیفرت" زندگی یک دختر ایتالیایی است که در سال ۱۹۹۴ مورد تعرض و تجاوز یک پسر قرار می‌گیرد که قصد ازدواج با او را دارد. سنت و قانون در آن زمان این بود اگر پسری قصد ازدواج با یک دختر را دارد و بهر دلیل این ازدواج ممکن نیست او میتواند این دختر را بدزد و به او تجاوز کند و سپس دختر مجبور به ازدواج میشود. در این فیلم یک دختر مورد تجاوز قرار گرفته، ولی تن به ازدواج نمیدهد و بعد از سختی‌های فراوان بالاخره در دادگاه موفق میشود و در نهایت قانون در آن کشور عوض میشود. بعد از نمایش این فیلم درپوردرنونه والریا پالمبو نویسنده سرشناس ایتالیایی و فعال مدافع حقوق زن در مورد ازدواج اجباری حرف زد و گفت در ایتالیا در سال ۱۹۶۵ هنوز ازدواج اجباری در جنوب این کشور وجود داشت اما اکنون این معضل در بسیاری از کشورها همچنان هست و از ایران مثال زد و سپس من در مورد ازدواج کودکان، ازدواج اجباری در کشورهای اسلام زده و همچنین نگاه اسلام به زن و کودک سخنرانی کردم و به سوالات حاضرین پاسخ دادیم.

انترناسیونال: موضوع کنفرانس درساچیله چه بود؟ در آنجا چه موضوع‌هایی مورد بحث قرار گرفت؟

افسانه وحدت: در شهر ساچیله همین فیلم در سالن

سینمای شهر به نمایش گذاشته شد. بینندگان فیلم دانش آموزان دبیرستانی بودند. سالن سینما تقریباً پر بود. در این برنامه من تنها سخنران بودم. من در مورد رشد روز افزون ازدواج در جمهوری اسلامی گفتم و دلایل آن را شرح دادم. اینکه حکومت اسلامی سنی برای کودکی قائل نیست و دختر ۹ ساله را زن میخواند. اینکه تعرض به کودک شرعی و قانونی است و پدر و جد پدری و حتی یک آخوند میتواند تصمیم برای ازدواج کودک بگیرد. وجود فقر گسترده و غارت اموال عمومی توسط رژیم که خودش در گسترش ازدواج کودکان موثر است را شرح دادم و به اینکه خانواده‌های زیادی بخاطر فقر حتی کودک خود را میفروشند، توضیح‌حاتی دادم. در مورد بیحقوقی کودکان و زنان در کشورهای که مورد هجوم نیروهای اسلام سیاسی هستند، شرح دادم. نکته‌ای که مورد توجه زیاد دانش آموزان قرار گرفت مثال‌های زنده‌ای بود که من در مورد کیس‌های سرکارم در مدت ۱۵ سال در سوئد با آن درگیر بودم. دخترانی که زندگی‌هایی با کابوس دائمی داشته و بلاخره فرار کرده و آینده خود را به نحوی نجات دادند. از سرکوب این دختران توسط مذهب صحبت کردم، مجبور کردنشان به ازدواج که از نظر من برای خیلی‌ها پایان یک زندگی نرمال و شاد است و گاهی تراژدی‌های وحشتناک و تلخی را به همراه می‌آورد. در مثال‌های روشن در مورد ۳ زندگی دختران به اصطلاح فراری از دست جهل و مذهب گفتم. سالن سرپا گوش بودند و در زمان پرسش و پاسخ با علاقه سوال می‌کردند که بیشتر بدانند.

چند سوال در این مورد بود که ما چه میتوانیم بکنیم. من سعی کردم به طور کنکرت و ساده

روشن کنم که با توجه به تکنیک عصر حاضر و استفاده از مدیای اجتماعی چقدر از گذشته مبارزه و اعتراض ابعاد گسترده‌تر و راه حل ساده‌تری پیدا کرده است. توضیح دادم که نسل من در ایران با یک انقلاب، یک جنگ، مهاجرت، با سرکوب‌های وحشیانه حکومتی قرون وسطایی و خیلی مصائبی که یک انسان شاید در تمام زندگی حتی یکی از آنها را تجربه نکرده باشد، روبرو بوده‌ایم. گفتم که تاریخ امسال من و خیلی‌ها در نسل من تاریخ کشورمان است.

در باره نقش مدیای اجتماعی گفتم و دختر جوانی را مثال زدم که توانست ده‌ها هزار نفر را به اعتراض علیه معضل اجتماعی با یک اونت در فیسبوک در روسیه به خیابان بکشاند گفتم. وقتی خودش به میدان شهر رسید از دحام جمعیت تعجب کرد و پرسید چه خبر است. نام خودش را شنید که این دعوت را به عمل آورده. میکروفون را گرفت خودش را معرفی کرد و مورد احترام جمعیت قرار گرفت. او الان یکی از فعالین شناخته شده حقوق انسانی در روسیه است. کمی از شکل مبارزات نسل من در انقلاب ۵۷ گفتم، که تقریباً قابل مقایسه با الان نیست. پخش اطلاعاتی خانه به خانه و با خطرات زیاد در مقایسه با مدیای اجتماعی و شکل پخش نظرات در حال حاضر که با فشار دادن یک دکمه حجم عظیمی از اطلاعات جا به جا میشود و اینکه این امکانات را بایستی در نظر گرفت و مورد استفاده قرار داد. اینکه هر کلام از آنها میتوانند رهبری اعتراضات بخش‌هایی از معضلات جامعه را به دست گیرند و این عملی است. به شکل مبارزه کمپینی و ذکر مثال‌های مشخص اشاره کردم از نجات جان صفحه ۱۳

از صفحه ۱۲

صدای اعتراض علیه بی حقوقی کودکان و زنان در ایتالیا

انسانها از اعدام و سنگسار گفتند که انجام شده و عملی است. وجد زیادی در میان حاضرین حس میشود. بعد از پایان سوال و جواب دانش آموزان محل را ترک نکردند بلکه دور ما حلقه زدند. تشویق کردند و خوشحال بودند که به این برنامه آمدند. تعدادی به فیسبوك من وصل شدند و میخواستند که ارتباطمان را حفظ کنیم.

جعفرزاده و من به موارد بی حقوقی زنان و مبارزات آنها در طول ۳۶ سال حیات ننگین حکومت اسلامی در ایران پرداختیم و در مورد ضرورت اعمال فشار به جمهوری اسلامی ایران برای لغو ممنوعیت ورود زنان به استادیوم حرف زده و به سوالات حاضرین پاسخ دادیم.

انترناسیونال: تاثیر برنامه

انترناسیونال: روز ۹ مارس در برنامه ای که شهرداری فلورانس برگزار کرده بود، شرکت داشتی. درباره این جلسه چه صحبت‌های داری؟

افسانه وحدت: در این روز در محل شهرداری فلورانس در ابتدا فیلم افساید ساخته جعفر پناهی نمایش داده شد. شهر فلورانس و ایتالیا کلا به همت تلاش‌های طاهر جعفرزاده همواره به معضلات و مسائل زنان در ایران عطف توجه کرده و بویژه در کمپین سکینه محمدی اشتیانی کمپین دفاع از ریحانه جباری و همچنین کمپین لغو ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاهها مردم ایتالیا فعالانه از حقوق زنان در ایران دفاع کرده اند. فلورانس از شهرهای مهم فرهنگی دنیاست و به موزه بی سقف معروف است. قبل از برنامه یکی از کارمندان شهرداری قسمت‌های مختلف بنای ساختمان شهرداری فلورانس را که یکی از بناهای بسیار زیبا و قدیمی این شهر است به ما نشان داد. در بیرون ساختمان و در مرکز شهر مجسمه پرسوس که متعلق به بیش از ۱۰۰۰ سال پیش است وجود دارد که سر بریده‌ای را در دست دارد و در دست دیگر شمشیری را. من بعد از فیلم افساید صحبت‌هایم را با همین مجسمه شروع کردم. گفتم این مجسمه به ۱۰۰۰ سال پیش تعلق دارد ولی واقعیت خیلی از جوامع اسلام زده در حال حاضر در دنیاست. در این مراسم طاهر

مردمی که با زبان دیگری و در کشوری دور اینقدر برایشان جالب است از ایران بدانند و از مبارزات مردم ایران پشتیبانی کنند. اظهار تعجب بسیار که در این قرن اپارتاید جنسی در ایران زنان را انقدر بیحقوق کرده در سوال‌ها موج می‌زد. سوال‌ها بیشتر حول اینکه چه کاری میتواند بکنند. چطور میتواند در این مبارزات موثر باشند. در مورد قوانین اسلامی و شریعت و اینکه آیا این قوانین ضد زن واقع در قران وجود دارد میپرسیدند.

انترناسیونال: شهرداری فلورانس در مورد نقض حقوق

مبسی بر اینکه شهرداری فلورانس يك موسسه دولتی را در این شهر به اسم ریحانه جباری نامگذاری خواهد کرد.

۲- شهرداری فلورانس با ارسال يك نامه به وزیر امور خارجه ایتالیا از او خواست که از جمهوری اسلامی ایران درخواست کند فوراً غنچه قوامی را آزاد کند.

۳- شهرداری فلورانس با تصویب يك قطعنامه از حق ورود زنان به استادیوم دفاع کرده و این قطعنامه را در روز ماندلا به چهل زبان بین المللی ترجمه و منتشر کرده و در يك مراسم مهم این قطعنامه خوانده شده و به



گوش میلیونها نفر رسید. پیشنهاد اینکه تیم‌های والیبال دسته ۱، ۲، ۳ در ایتالیا قبل از شروع مسابقه بنرهای ۱ متر در ۶ متر "غنچه قوامی را آزاد کنید" را بالا ببرند هم از طرف شهرداری فلورانس بود. کلیپ‌های خوبی در این مورد در یوتیوب هست.

انترناسیونال: موضوع سخنرانی در جلسه روتاری چه بود و این جلسه چگونه برگزار شد؟

افسانه وحدت: به دعوت تشکل روتاری در منطقه با حضور بیش از صد نفر برنامه ای سازمان داده بودند که بسیار مورد توجه قرار گرفت. در این برنامه طاهر جعفرزاده و من شرکت داشتیم. سخنرانی من در

انسانی توسط جمهوری اسلامی چندین بار عکس العمل نشان داده. در صورت امکان در این باره توضیح بیشتری بده

افسانه وحدت: بله، کشور ایتالیا بارها از مبارزات مردم ایران پشتیبانی کرده است. خیلی از کمپین‌های علیه اعدام توسط طاهر جعفرزاده در ایتالیا به میان مردم رفته و همانطور که در بالا هم توضیح دادم مردم از جنایات حکومت ایران آگاهی دارند. بخصوص شهر فلورانس در این زمینه فعال بوده است. در برنامه سخنرانی ما در شهر فلورانس از طرف شهرداری ۳ کار مهم که توسط این نهاد دولتی در رابطه با ایران انجام شده اعلام شد:

۱- تصویب يك قطعنامه

این کنفرانس به ازدواج کودکان در کشورهای اسلام زده و بخصوص در ایران مربوط بود. بسیار کنجکاو بودند در مورد شغل من که با این نوع جوانان کار می‌کنم. این جلسه بسیار تاثیر گذشت. من چند مثال زنده که خود من با آن درگیر بودم را ذکر کردم. میدیدم که حاضرین گاهی از این همه بیحقوقی گریه می‌کنند و به شدت متاثر میشوند. در خاتمه صحبت‌های من چند نفر در مورد‌های مشخص که چه از دستشان برمیآید و چگونه میتواند برای ممنوعیت ازدواج کودکان گام بردارند صحبت شد. در این کنفرانس در مورد اینکه حاضرین اخبار و گزارشات فعالیت‌های نهاد ندا دی و یا کمیته علیه سنگسار را شنیده اند حرف زدند و از اهمیت اعتراضات گفتگو شد. حاضرین در مورد سکینه محمدی آشتیانی و یا کمپین ورود زنان به استادیوم و اینکه اخبار این کمپین‌ها وسیعاً در ایتالیا پخش شده حرف زدند.

انترناسیونال: بنظر میرسد که مهمترین بخش حضور در ایتالیا حضور در برنامه تلویزیون "کانال ایتالیا" بود. درباره این برنامه، بحث‌ها، و سوالات و نظرات مردم صحبت کن.

افسانه وحدت: بله کاملاً درست است. مهمترین بخش این هفته فعالیت در ایتالیا حضور در برنامه پخش مستقیم صبحگاهی بود. کشور ایتالیا بیش از ۶۰ میلیون جمعیت دارد. اگر بگویم حتی يك میلیون "کانال ایتالیا" را میبینند، حرف‌های ما به گوش يك میلیون ایتالیایی رسیده است. افشای چهره کریه جمهوری اسلامی برای يك میلیون نفر دستاورد ویژه‌ای است. طاهر و من در مورد اینکه عملکرد حکومت اسلامی عین داعش بوده است تنها فرقی این است که داعش وحشیگری‌هایش را در بوق و کرنا میکند ولی حکومت اسلامی ایران مثلاً از ترس مردم مجبور است در خفا سنگسار کند. در مورد مبارزات زنان، شکست پروژه‌های حجاب، ممنوعیت

انماض و جهالت در مقابل حقوق جهانشمول انسانها

متن سخنرانی نازنین برومند در مراسم ۸ مارس در آلمان
ترجمه از آلمانی به فارسی



سیاست‌ها و بحث‌ها در جامعه قرار بگیرد. حقوق جهانشمول انسانها برای همه و همه جا مینا باید باشد. تجاوز برای يك زن در هند یا در ترکیه همانقدر دردناک و هولناک است که برای يك زن در آلمان، انگلیس یا آمریکا. هیچ زنی نمیخواهد ازدواج اجباری بکند، حجاب اجباری به سر کند یا سنگسار بشود یا به خاطر کمی نمایان شدن موی سرش از زیر روسری شلاق بخورد.

ما باید برای این مبارزه کنیم که ارزش‌های انسانی به جای ارزش‌های نسبییت فرهنگی در جامعه مینا قرار بگیرند. نباید به خاطر مذهب در برای کسی استشنا قاتل شد. همانطور که به خاطر نژاد یا ملیت فردی نباید برای او استشنا قائل شد. دنیا نسبت به ۲۰ سال پیش خیلی کوچکتر شده، این را مردم دنیا بعد از ترور ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تجربه کردند. اگر کسی آن زمان متوجه این موضوع نشد، حتما با ترور وحشیانه کارمندان نشریه چارلی ابدو باید به این امر واقف شده باشند که هر چه در دنیا اتفاق میفتاد امر همه انسانها هست و نه مردم آن منطقه یا آن کشور و یا حتا نه فقط آن قاره.

ما همه انسان هستیم، و هسته‌های انسانی باید مرکز ملیت یا رنگ پوست یا جنسیت، هیچ کدام اینها تعیین کننده نیستند بلکه حق جهانشمول انسانها، ما نباید دیگر اجازه بدیم که دیکتاتورها - چه از نوع مذهبی آن و چه از نوع راسیستی آن - مردم را در قرن ۲۱ تحت عنوان مذهب مورد سرکوب قرار دهند و جوامع ما را به قهقرا بکشانند. ما آزاد به دنیا میایم و میخواهیم آزاد زندگی کنیم.*

امکانات بیشتری برای گسترده شدن و نفوذ اسلام در جامعه و زندگی مردم فراهم شده است. حتا در تعدادی از استان‌های آلمان هیأت‌های اسلامی در رسانه‌ها مانند تلویزیون حق دخل و تصرف و سانسور و بریدن آزادی بیان من و شما را پیدا کرده اند. یکی از این شهرها محل زندگی من هامبورگ است. شهردار هامبورگ از حزب سوسیال دمکرات آلمان سه سال پیش قرار دادی با نهادهای اسلامی بست و حقوق زیادی به آنها برای نفوذ در جامعه و حقوق شهروندی "مسلمانان" واگذار کرد. بعضی از روشنفکران نیز در آلمان میخواهند متأسفانه اسلام را به عنوان يك مذهب قابل فرم دادن به ما بفروشند. (اشاره به کمپینی که اخیرا در يك مجله فمینیستی معروف آلمان چاپ شده بود - توضیح از مترجم)

ما، یعنی خیلی از مهاجران و پناهندگان از کشورهای اسلامزده، خانواده و محیط زندگیمان را که به آن خو گرفته بودیم ترک کرده به آلمان و دیگر کشورهای غربی پناه بردیم، چرا که دیگر نمیخواستیم تحت نفوذ اسلام و جریانات یا دولت‌های اسلامی زندگی کنیم. اما حالا در این کشورها نیز باید با این پدیده و جنبش اسلامی همچنان دست به گریبان باشیم. ظاهراً این ما نیستیم که به این کشورها به عنوان يك شهروند تعلق داریم و باید انتگره شویم بلکه اسلام. (اشاره به گفته ریس جمهور سابق آلمان "ولف" و صدراعظم کنونی آلمان "مِرکل" که گفته اند - اسلام به آلمان تعلق دارد - توضیح از مترجم).

در مقابل اینها باید ما تلاش کنیم و به عنوان وظیفه اصلی خودمان در نظر بگیریم که "انسان" مبنای حرکت همه

ملیونها نفر را به درد آورد، ندا سمبل مبارزه زنان جوان در ایران شد. زنانی که امروز همچنان در صف مبارزه مسلحانه علیه داعش نقش به سزایی را ایفا کرده اند را نیز نباید فراموش کرد. با ردیف کردن این مثال‌ها من میخواهم به شما نشان بدهم که اسلام و اسلام سیاسی هر کجا که بساط خود را پهن میکنند در مرحله اول به زنان و حق آنها حمله میکنند. چرا که میدانند از این طریق در عمل به جامعه دستبند زادی و آزادی همه را محدود میکنند. واقعیت تلخ دیگر این هست که اسلام سیاسی و جنبش اسلامی مهر خود را قدم به قدم به جوامع غربی به خصوص اروپا و آلمان نیز زده اند. در حالی که دولت‌های غربی و اکثریت طیف چپ از کنار این موضوع به راحتی گذشته اند و حتا از آن حمایت کردند و راه را برای گسترده شدن این جنبش باز گذاشتند.

در سال ۲۰۰۶ در آلمان اولین "کنفرانس اسلامی آلمان" توسط وزیر کشور وقت آلمان (شیلبله) با تعداد زیادی نهادها و سازمان‌های اسلامی در آلمان برگزار شد. نتایج این کنفرانس تا به حال از جمله این بوده که در بعضی از دانشگاه‌های آلمان رشته‌های آکادمیک تعلیم "امامت" به عرضه گذشته شده است یا اینکه در تعدادی از دادگاه‌ها قوانین شرعیه مبنای قضاوت در مورد مسلمانان قرار داده شده، در صورتی که قوانین رسمی طبق کتاب قانون آلمان باید برای همه مردم ساکن آلمان یکسان باشد. از دیگر نتایج "کنفرانس اسلامی آلمان" این بوده که مدارس اسلامی بیشتری تاسیس شده، مساجد بیشتری ساخته شده و در يك کلام

چشم‌های خود را به روی آن میبندند و از کنار آن میگذرند. از این بدتر، چیزی که من را به شدت اذیت میکند، این است که مقاومت و مبارزه مردم و در راس آن مبارزات زنان علیه سرکوب و ستم اسلامی نیز اکثرا از طرف دولت‌های غربی مورد انماض قرار میگیرد.

يك نمونه از مبارزه زنان در ایران را در فیلمی که اول برنامه در مورد تظاهرات چندین هزار نفره زنان علیه حجاب اجباری در سال ۱۹۷۹ به مناسبت روز جهانی زن برپا شده بود دیدید. زنان همچنان در ایران خواهان این هستند که دیگر مجبور به سر کردن روسری و رعایت حجاب اسلامی نباشند و بدون ترس از اسید پاشی و دستگیری در خیابان‌ها آزادانه لباس مورد علاقه خود را بپوشند. این خواست را زنان در ایران هر روز به نمایش میگذارند و عکس بی حجاب خود را در فضای باز در صفحه فیسبوک "آزادیهای یواشکی من" بدون ترس و وا همه علنی میکنند. آتنا فرقدانی بلاگ نویس از ایران، فاطیما ناوت شاعر از مصر، تسلیمه نسرین مدافع معروف حق زن از بنگلادش، امینا تیلور از تونس، ملالا یوسفزای از پاکستان، مریم نمازی از ایران، مینا احدی که امروز از سخنرانان این جلسه هست و خیلی از زنان شجاع دیگر در سراسر جهان هستند که علی‌رغم خطری که آنها را هر روزه تهدید میکند علیه سلطه اسلامی مبارزه میکنند.

همچنین ما شاهد مبارزه زنان در صف اول علیه مبارک در مصر بودیم. و یا ندا آقا سلطان، زن جوانی که در خیزش سال ۲۰۰۹ علیه جمهوری اسلامی جان خود را از دست داد و با پخش لحظه مرگ او که قلب

مردم در کشورهای به اصطلاح اسلامی من ترجیح میدهم بگویم کشورهای اسلام زده سالهاست تحت سلطه قدرت اسلام و دولت اسلامی رنج برده اند. بخصوص این زنان هستند که تحت ستم اسلامی بیشترین رنج را میبرند و سرکوب میشوند.

سرکوب زنان در ایران از زمانی که جمهوری اسلامی به قدرت رسیده است بر مردم دنیا پوشیده نیست. سنگسار زنان در ملاعام و اسید پاشیهای متعدد در خیابان‌ها نمونه‌های جنایتی هستند که جمهوری اسلام در عرض ۳۵ سال اخیر علیه زنان سازماندهی کرده است.

داعش، القاعده، بوکو حرام، حزب الله، سلفیست‌ها و دیگر اعضا خانواده این مذهب به گفته خودشان "صلح دوست" سال هست که مردم بیگناه را به خصوص زنان و دختران جوان را ترور کرده و به قتل میبرسانند.

در ترکیه اخیرا تجاوز و قتل يك دانشجوی دختر جوان نمونه دیگری از خشونت به زنان در کشور به اصطلاح "اسلامی معتدل" است. از زمانی که اردوغان به قدرت رسیده است، تجاوز و خشونت علیه زنان در ترکیه گسترده تر شده و طبق امر دلیل اصلی مرگ زنان در این کشور نه سرطان یا تصادف، بلکه خشونت در خانه و بیرون از خانه توسط مردان بوده است. این آمار نتیجه سیاست اسلامیزه کردن اردوغان در ترکیه است.

این جنایات جریانات و حکومت‌های اسلامی نه در این چند ماه اخیر یا چند سال گذشته بوده بلکه چند دهه هست که از طرف اسلام سیاسی در کشورهای اسلمزده صورت میگیرد. همینطور چندین دهه هست که حکومت‌های "دمکراتیک" غربی به این جنایات بی توجهی کرده،

مراسم باشکوه در شهر کلن آلمان، در گرامیداشت هشت مارس روز جهانی زن

روز شنبه به دعوت نهاد اکس مسلم در آلمان يك کنفرانس و مراسم در شهر کلن آلمان برگزار شد. در این مراسم فتحیه نقیب زاده، نازنین برومند، مارتینا کاست و مینا احدی سخنرانی کردند.

در ابتدا فیلم تظاهرات باشکوه زنان در تهران بر علیه فرمان حجاب خمینی در سال ۱۹۷۹ نشان داده شد که با زیرنویس آلمانی بود و هزاران زن را نشان میداد که شعار میدادند، ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم و آزادی نه شرقی است نه غربی جهانی است. این فیلم که گوشه کوچکی از حقایق انقلاب مردم ایران در سال ۱۳۵۷ و سپس قدرت گرفتن اسلامیهها و

نبرد زنان بر علیه جنبش اسلامی را نشان میداد مورد توجه بسیار زیادی قرار گرفت.

سپس اولین سخنران این برنامه فتحیه نقیب زاده بود. فتحیه فیلم اعتراضات زنان را با زیر نویس آلمانی تهیه کرده و در این کنفرانس نیز در مورد حکومت اسلامی و قوانین شریعه و استناد حکومت‌های اسلامی به الهی بودن قوانین اسلامی حرف زد و گفت هر کس با این قوانین مخالفت میکند و یا عملی انجام دهد که بر خلاف قوانین اسلامی است از طرف حکومت اعلام میشود این جنگ با خدا است و مجازات میشود. فتحیه تاکید کرد که این سیستم و این قوانین الهی و این حکومتها ابدًا قابل

اصلاح نیستند. آنگونه که طرفداران حکومت اسلامی سعی میکنند اعلام کنند که حکومت قابل اصلاح است و از بخشهایی از حکومت با این عنوان دفاع میکنند.

سپس نازنین برومند سخنرانی کرد. نازنین از تجربه درخشان زنان در ایران علیه فرمان حجاب اسلامی حرف زد و اینکه این جنبش برای برابری طلبانه در ایران ادامه یافته و امروز نیز به اشکال مختلف پیش می‌رود. نازنین برومند از دست اندازی جنبش اسلامی به زندگی زنان در اروپا و آلمان حرف زد و گفت باید با دخالت سازمانهای اسلامی در زندگی زنان و نفوذ سازمانهای اسلامی در این کشور مقابله کرد

و از اینکه دولت آلمان و انجلا مرکل میخواهد اسلام را در آلمان انتگره کند و از نقض حقوق زنان و مردم در آلمان به دست سازمانهای اسلامی حرفی نزنند، انتقاد کرد.

در ادامه برنامه سه فیلم کوتاه از مارتینا کاست نمایش داده شد. مارتینا کاست ژورنالیست است و به پاکستان رفته و این چند فیلم را تهیه کرده بود. مارتینا در این بخش به معرفی فیلمهای کوتاه خود پرداخت و سپس فیلمها نمایش داده شدند.

در ادامه برنامه برنند گاست يك هنرمند آلمانی که در برنامه حضور داشت با خواندن سه شعر زیبا و انتقادی در مورد اسلام و مذهب کاتولیک و ... مورد توجه

زیاد حاضرین قرار گرفت. سپس فیلم کوتاهی از برداشتن حجاب توسط زنان در ایران نمایش داده شد و مینا احدی در پایان برنامه سخنرانی کرد.

این برنامه با شادی و رقص ادامه یافت و سپس در ساعت ۱۰ شب این مراسم به پایان رسید.

نهاد اکس مسلم در اینجا از همه دوستانی که برای برگزاری این مراسم باشکوه زحمت کشیده و این برنامه را سازمان دادند، نهایت تشکر را دارد.

نهاد اکس مسلم - آلمان

متن سخنرانی صبری امیرحسینی بمناسبت ۸ مارس در نروژ



با تبریک ۸ مارس با همه شما دوستان

ضرورت برگزاری روز زن و جایگاه جنبش زنان با وجود بیش از صد سال مبارزه برای دستیابی به حقوق برابر را میتوان در نگاهی به وضعیت جهان کنونی دریافت. در يك نگاه میتوان دید که تجاوز، انواع خشونت، قتل ناموسی، نابرابری حقوقی و اجتماعی، دستمزد نابرابر در مقابل کار برابر و موارد بسیار زیاد دیگر از واقعیهایی هستند که زنان روزانه با آن درگیر میباشند. هنوز برای سرنوشت دختران خردسال، برای کودکیشان، سهمشان از زندگی آینده، بازیهایشان، شکل بدنشان و رویایهای کودکیشان در دالانهای

قدرت و براساس منافع مالی قشر مشخصی تصمیم گرفته میشود. در يك گوشه از دنیا طالبان عصر حجری وقتی ابراز قدرت میکنند، این دختران خردسال هستند بهای ابراز وجود این تاجر سیاه را باید به قیمت جانشان بدهند. وقتی به یمن دموکراسی صادراتی از غرب اسلام ناب محمدی سر برمیآورد این زنان هستند که بدون هیچ درنگی مورد وحشیانه ترین حملات قرار میگیرند. بحرانهای اقتصادی و دوران رکود اقتصادی به معنی حمله مستقیم به موقعیت اقتصادی زنان در جامعه میباشد. دختران و زنانی که مورد خشونت قرار میگیرند از سوی فرهنگ مرد سالار باید در مقابل خواستههای

جمهوری اسلامی است با سرکوب و اربابی که میخواهد بر جامعه حاکم کند. ماهیت ضد زن حکومت اسلامی و تمامی قوانین زن ستیزی که اعمال میکند باید با قدرت هرچه بیشتر پس زده شوند ولی جدا از فاکتور سرکوب سیستماتیک که در جامعه در جریان است. جریانهایی هستند در جنبش زنان که در اطراف حکومت شکل گرفته اند و به آیت اله های حکومتی دخیل میبندند. در واقع کار آنها شده کنترل کردن خواستها و مطالبات رادیکال و پیشرو زنان. اما خود جنبش زنان نیاز به سازماندهی دارد و باید بر ضعف عدم سازماندهی در داخل جنبش روبرو شود تا بتواند با سازماندهی بهتری ظاهر شود و همچنین پیوند ناگسستنی خود را با سایر جنبشهای موجود در جامعه بیشتر نشان بدهد.

جنبش زنان راه درازی در پیش رو دارد به همین دلیل برای همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب مقاومت بیشتر و اراده محکمتر آرزو میکنم.*

در ایران و ترکیه نشان می دهند که برای دستیابی به مطالبات خود به خیابان آمده اند. ایران که در واقع شده محلی که میتوان انواع و اشکال قوانین ضد زن از سراسر دنیا آنها به شکل قانونی و لازم الاجرا را در آن یافت بعد از سالها حاکمیت جمهوری اسلامی تنها زنان را مرعوب نکرده است بلکه آنها را در صف اول مبارزات قرار داده است. مبارزات مردم در کوپانی بر علیه داعش و زنانی که رو در روی داعش برای دفاع از و ارزشهای انسانی جامعه شان ایستادند، در اوج مبارزات در سال گذشته قرار دارد. در ترکیه دول اسلامگرای دست راستی و حملات آن به دستاوردهای جنبش زنان با اعتراض گسترده مردان و زنان آزادیخواه و برابری طلب روبرو شد و یا اعتراضات گسترده در هند علیه تجاوز جنسی و موارد زیاد دیگری را می توان نام برد از مبارزات زنان در سال گذشته.

در نگاهی به وضعیت جنبش زنان در ایران و مشکلاتی که برسر راه خود دارند. مانع اصلی

دیدار یک هیئت با سر کنسول افغانستان در استکهلم و اعتراض به قتل وحشیانه فرخنده

سفرات افغانستان تسلیم کردند. این هیئت شامل: کریم شاه محمدی، رحیم یزدانپرست، عباس رضایی و رفیع رحیمی و افسانه وحدت بودند. اعضا هیئت به مقامات افغانستان اعلام کردند که صدای اعتراض زنان در افغانستان را اینک مردم دنیا شنیده اند و همه نیروهای مترقی و پیشرو از این اعتراضات دفاع میکنند. دولت افغانستان باید به خواستهای هزاران نفر که در کابل تظاهرات کرده پاسخ داده و موضوع را لاپوشانی نکند. کمپین اعتراض به قتل

امروز جمعه ۷ فروردین هیئتی از طرف نهاد کودکان مقدمند، فدراسیون سراسری پناهندگان و زن آزاد به سفارت افغانستان در شهر استکهلم مراجعه کردند و مراتب اعتراض شدید خود را به قتل فجیع و زجرکش کردن فرخنده به دست اوباشان اسلامی و بی عملی کامل پلیس اعلام کردند. این هیئت همچنین نامه اعتراضی از طرف بیش از ۳۰۰ فعال مدافع حقوق زن از ایران، افغانستان و عراق در محکومیت این جنایت هولناک را به یاسین نعیمی کنسول

از صفحه ۱۳

صدای اعتراض علیه بی حقوقی کودکان و زنان در ایتالیا

سمینارها و کنفرانس‌های متعددی که خود طاهر جعفر زاده سخنران آنهاست ادامه دارد. تلاش‌های ایشان برای افشای حکومت ایران و علیه جنبش وحشی و ضد انسانی اسلام سیاسی ادامه دارد.

اینجا جا دارد از ایشان به خاطر تلاش‌های مستمرشان در راستای حقوق انسانی قدردانی کنم. و با تشکر از شما.

انترناسیونال: با تشکر از افسانه وحدت بخاطر انجام مصاحبه*

افسانه وحدت: همکاری با سازمان ندا دی برای دفاع از حقوق زنان و کودکان تا کنون دستاوردهای زیادی داشته است. قطعاً همکاری با این نهاد ادامه خواهد یافت. پروژه بعدی ساختن فیلمی در رابطه با ازدواج کودکان است. طاهر جعفرزاده به همین زودی‌ها به سوئد خواهد آمد و امیدوارم بتوانیم با کمک و همکاری هم این کار را به نحو مطلوب از پیش ببریم. فعالیت‌های ندا دی بعد از برگشتن من از ایتالیا با

پارابول، ممنوعیت موسیقی که به خیابان‌ها کشیده است و مردم در خیابان کنسرت می‌گذارند، ۸۰ درصد دختران دانش آموز که دوست پسر دارند و از این قبیل. این برنامه که مستقیم پخش میشد در ابتدا قرار بود دو ساعت باشد بدلیل استقبال مردم به سه ساعت ادامه یافت. ما بر علیه داعش در ایران و منطقه و علیه زن ستیزی اسلامی و قوانین ضد زن اسلامی مفصل صحبت کردیم و به سوالات مردم پاسخ دادیم. در این برنامه در مورد اسید پاشی به صورت زنان و جنایات و اعدامها در ایران حرف زدیم و از همه مردم ایتالیا دعوت کردیم علیه این حکومت اعتراض کرده و به یاری مردم ایران بشتابند.

انترناسیونال: فکر می‌کنی که در این رابطه چه کارهایی میشود کرد؟ کمیته ندا دی در ادامه فعالیت‌هایش چه اقداماتی در دست دارد.



شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number: 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code: BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود